



26th

INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS
FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS



پروانه‌ها

نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان
چهارشنبه ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱ / ۱۶ صفحه

گفت‌و گوهایی با سیروس حسن پور، نادره ترکمانی
حسن آقا کریمی و صادق صادق دقایقی



نگاهی به
مکتب انیمیشن
زاگرب

به بهانه نمایش
انیمیشن‌های کوتاه کرواسی

گفت‌و گو با **شیبه فی**
کارگردان و داور بخش بین‌الملل
جشنواره‌ها محل
مبادلات فرهنگی هستند



بسم الله الرحمن الرحيم

یادداشت روز

دین و سینمای کودک و نوجوان ۲

نصرت الله تابش

در شماره گذشته امکان بررسی نسبت دین و ژانر کودک و نوجوان را با اشاره به مصادیق داخلی و خارجی آن بیان کردیم. این نسبت را از دو منظر می‌توان پی‌گیری کرد. منظر اولین مفاهیمی از دین است که در لایه‌های گوناگون این ژانر برای مخاطب کودک و نوجوان تعبیه می‌شوند. تعداد زیادی از فیلم‌های ایرانی و خارجی مثل **داستان اسباب‌بازی، نیاز، بچه‌های آسمان، باران** و **سه‌گانه کلاه قرمزی** را می‌توان مصادیق چنین دیدگاهی دانست. شخصیت پسرخاله در **کلاه قرمزی** در یکی از آیتم‌های نوروز یک مسموم را تا آخر می‌خورد و حتی تمام‌انداز را هم می‌لیسد تا بچه‌های دیگر و حتی مورچه‌ها آن را نخورند و مریض نشوند. این قسمت در واقع ترکیبی است از عدم عقلانیت بزرگسالانه (و نه حماقت) و عشق و فداکاری نسبت به دیگران. این معصومیت ایثارگر همیشه دوست‌داشتنی و زیبا و متناسب با دنیای کودکان است. منظر دوم در این ژانر خلق شخصیت یا قهرمان کودک و نوجوان فیلم بر اساس باورهای دینی است. در دهه‌های اولیه سینما در هالیوود برخلاف عقاید جافتاده مسیحی، «...کودکان دیگر اندام‌های کوچک شیطان نبودند، بلکه به خاطر نزدیک‌تر بودنشان به طبیعت و در نتیجه به خداوند، تجربه اخلاقی و عاطفی پرشورتری داشتند و در واقع از بزرگسالان ذاتاً برتر محسوب شدند.»^۱ شخصیت و قهرمان کودک نماد معصومیت، خوش‌بینی به آینده و شگفت‌زده در برابر هستی بود. هر چند بعد از وقوع جنگ جهانی دوم و تلخ‌کامی‌ها و شکست‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا موجبات تغییر نگاه به شخصیت - قهرمان کودک در فیلم‌ها فراهم شد و حتی برخی از فیلم‌ها بر اساس شخصیت اهریمنی کودکان ساخته شد، ولی تصویر کودک معصوم که به ویژه با فیلم **پسر بچه چارلی** چاپلین متولد شد و اوج گرفت، تا **ئی‌تی اسپیلبرگ** ادامه یافته است. شخصیت معصوم و امیدوار کودک در سینما در کنار شخصیت کودک زودرس که در فیلم‌هایی نظیر **تنها در خانه** او را دیده‌ایم، هم‌چنان جذاب‌ترین قهرمانان دنیای کودکان و نوجوانان و حتی اغلب بزرگسالان‌اند. توجه دارید که این دو منظر یعنی ارائه مفاهیم اخلاقی و دینی برای کودکان و نوجوانان و شخصیت‌پردازی کودک و نوجوان این ژانر بر اساس باورهای مذهبی با آنچه که گفته می‌شود، سینمای برای کودکان و سینمای درباره کودکان تفاوتی اساسی دارد. زیرا آن دو منظر بیشتر درباره سینمای برای کودک و نوجوان می‌گنجند و حتی می‌توانند با یکدیگر تلفیق شوند. برای مثال در فیلم **نیاز** مفهوم ایثار با ماجرای کربلا پیوند جدی می‌خورد. دو نوجوان که برای به دست آوردن یک شغل با یکدیگر کتک‌کاری می‌کنند، اما به هیچ عنوان کمترین خباتی در وجودشان نیست و حتی معصومیتشان را نیز در میان کوره فقر و

گزیده اخبار

قطار شادی در پارک‌ها

نشریه روزانه - بنا به گفته حسینعلی شهیدی مدیر اجرایی ستاد اصفهان جشنواره از حرکت قطار شادی کودکان و نوجوانان در پارک‌ها خبر داد. او با اشاره به این موضوع افزود: «این قطار که حامل کودکان و نوجوانان اصفهانی خواهد بود، در پارک‌های شهر گردش می‌کند. تا به این واسطه پیام این جشنواره و شادی حاصل از آن را در شهر اصفهان گسترش دهیم.» این قطار که روز گذشته حرکت خود را آغاز کرده است تا جمعه ۲۱ مهر و هم‌زمان با پایان جشنواره به مسیر خود پایان می‌دهد.

ضیافت شام شهردار اصفهان

از جمله اتفاقات جنبی که در طول برگزاری جشنواره و طی برنامه‌ریزی به رسم هر ساله در بیست‌وششمین دوره این جشنواره نیز برگزار خواهد شد. این ضیافت امشب ۱۹ مهر در هتل عباسی برگزار خواهد شد.

«هفت» کودکانه

سوم: هم‌زمان با برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان، برنامه «هفت» به این جشنواره اختصاص خواهد یافت. این برنامه به عنوان تنها برنامه تخصصی سینمای ایران بنا به برگزاری هر جشنواره، برنامه ویژه‌ای تدارک دیده و روی آنتن می‌برد. بر همین اساس از امشب «هفت» با موضوعیت بیست و ششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان به روی آنتن شبکه سه سیما قرار خواهد گرفت. بنا به اخبار رسیده هنوز کنداکتور مشخصی تنظیم نشده و منتقدان مهمان نیز مشخص نیستند. اما ساعت پخش همچون روال عادی و در همان زمان خواهد بود.

تغییر برنامه

فیلم سینمایی **من غلامرضا هستم** به کارگردانی هاشم علیایی مقدم در کتابخانه مرکزی، روز چهارشنبه ۱۹/۷/۹۱ در سانس سوم (ساعت ۴) به نمایش در خواهد آمد.

نشست فیلمنامه‌نویسی



نشریه روزانه - سومین دوره برگزاری مسابقه فیلمنامه‌نویسی اتفاقات خوبی را با خود به همراه آورده است. یکی از این اتفاقات خوب برگزاری نشست‌های تخصصی فیلمنامه‌نویسی است. این یک فرصت بسیار خوب برای نویسندگان اصفهانی است تا با حضور در این نشست‌ها چم و خم فیلمنامه‌نویسی را یاد بگیرند. این دوره آموزش فیلمنامه‌نویسی با حضور هنرمندانی چون بهروز افخمی نویسنده و کارگردان سینمای کشور، نغمه ثمینی منتقد و نویسنده و کارگردان تئاتر و وحید نیکخواه‌آزاد تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان که امسال با فیلم **فرزند خوانده** در جشنواره حضور دارد، برگزار می‌شود.

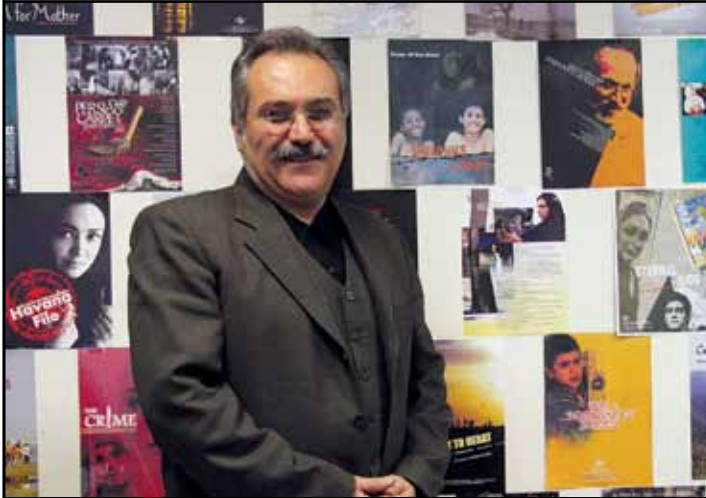
کارگاه آموزش فیلمنامه‌نویسی جشنواره فیلم کودک تا بیستم مهر ماه جاری در اصفهان ادامه خواهد داشت.

بی‌کاری از دست نداده‌اند و بالاخره می‌بینیم یکی از آن‌ها وقتی می‌فهمد آن دیگری گرفتاری بیشتری دارد، به نفع او کنار می‌کشد. اما این پایان کار او نیست. سکانس پایانی، این قهرمان ایثارگر نوجوان را نشان می‌دهد که از کنار کوره‌های گذاخته عبور می‌کند، در حالی که نمادی از عاشورا را صیقل می‌دهد. گویی خود او پس از عبور از کوره رقابت و ایثار صیقل می‌خورد و عاشورایی می‌شود. این نگاه به نوجوانان ریشه در این اعتقاد اسلامی و شیعی دارد که همه آدمیان بر اساس فطرت (ساختار) الهی متولد می‌شوند و هنگام تولد مانند لوح سفیدی هستند که می‌توان زیبایی‌ها را بر این لوح حک کرد. و اگر لکه سیاهی بر این لوح بنشیند، از خود آن‌ها نیست و از دنیای بزرگسالان بر روحشان نشسته است. یک بار مطلبی مفصل‌تر از این را در سرمقاله فیلم‌نگار نوشته‌ام که نقل دوباره بخشی از آن را خالی از لطف نمی‌دانم. «باید بگویم سینمای کودک و نوجوان را خیلی دوست دارم. در سینمای کودک و نوجوان نمی‌توان و نباید اخلاق و ارزش‌های دینی را نادیده گرفت. سینمای کودک در لحظات تلخش هم با امیدهای بزرگ‌تری همراه است. سینمای کودک صادق است، چون کودکان صادق‌اند و دروغ را از بزرگ‌ترها یاد می‌گیرند. دوستی‌ها در سینمای کودک مثل روابط خود کودکان عموماً بدون چشم‌داشت است و نفس دوستی و با هم بودن برایشان لذت‌بخش است. در سینمای کودک بدی‌ها خیلی زود فراموش می‌شوند و کسی به فکر انتقام نیست و حتی کسی که بدی کرده است، از محبت دوباره برخوردار می‌شود. مثل لانسو خرسی که در **داستان اسباب‌بازی ۳** به دلیل احساس طرد شدن از طرف صاحبش شخصیت تلخ و گزنده‌ای دارد، ولی در شرایطی که گرفتار می‌شود، همان کسانی که مورد ظلمش واقع شده بودند، نجاتش می‌دهند. هر چند خودش این سرنوشت را نمی‌خواهد. همه این‌ها فضایی است که بعدها در بزرگ‌سالی تبدیل به آرزوهایی دست‌نیافتنی می‌شوند. صداقت، فداکاری، برای جمع، دوستی و عشق بدون چشم‌داشت، فراموش کردن سریع بدی‌ها و خندیدن در میان گریه‌های به ظاهر تلخ ویژگی‌های مشترک همه کودکان دنیاست.» اشاره‌ای هم به موضوع مفاهیم اخلاقی در سینما به ویژه در سینمای کودک و نوجوان داشته باشم و تمام. قبلاً در سه شماره از مجله فیلم‌نگار با ذکر مصادیقی بیان کرده‌ام که اخلاق یک توصیه برای فیلم‌سازان نیست، بلکه یک ضرورت زیبایی‌شناختی و دراماتیک است. به عبارت دیگر زیبایی بدون اخلاق مفهومی ناقص خواهد بود. برای مثال در **پدر خوانده ۱** وقتی دون کورلئونه پیشنهاد سران مافیا مبنی بر فروش مواد مخدر را نمی‌پذیرد، باعث افزایش تنش، کشنده شدن فرزندش و افزایش جذابیت دراماتیک داستان می‌شود و در واقع یک امر اخلاقی را در پیشبرد داستان و افزایش جذابیت دراماتیک نمایش می‌دهد. یا شما در هیچ کدام از فیلم‌های هیچ‌کاک مجرمی را نمی‌بینید که به مجازات نرسد یا فیلم‌های وسترن را نمی‌توان بدون مفاهیم اخلاقی به ویژه مفهوم عدالت در نظر گرفت. حتی در فیلم‌های تریلر تارانتینویی نیز هر کس که جنایت بزرگ‌تری دارد، رستگاری‌اش در عقوبت سخت‌تری است. بدون دخالت مفاهیم اخلاقی زیبایی شکل نمی‌گیرد و این ضرورت دراماتیک در سینمای کودک و نوجوان دوست‌داشتنی‌تر و جدی‌تر است.

۱. کتی سِراک جکسون، مترجم بابک تبرایی، تصویر کودکان در فیلم‌های هالیوودی ص ۲۴

«» امیر اسفندیاری، مدیر بخش بین‌الملل جشنواره

خوش‌نامی ایرانیان تبلیغات منفی را بی‌اثر کرد



امیر اسفندیاری مدیر بخش بین‌الملل بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان در ارتباط با حضور مهمانان خارجی که روز سه‌شنبه ۱۸ مهر وارد اصفهان شدند، از اقدامات گسترده‌ای که انجام شده است، گفت.

او در ارتباط با حضور مهمانان خارجی گفت که امسال نسبت به سال‌های گذشته افراد شاخص‌تری که در زمینه سینمای کودک فعالیت دارند، از سراسر جهان دعوت شده‌اند. اسفندیاری در توضیحات بیشتر خود می‌گوید: «در بخش بین‌الملل از ۱۷ کشور جهان دعوت به عمل آمده است. کشورهایی همچون ارمنستان، ایتالیا، بنگلادش، بوسنی و هرزگوین، هند، سریلانکا و...»

اسفندیاری می‌افزاید: «با وجود حجم تبلیغات منفی که علیه ایران در سراسر جهان انجام می‌شود، اما خوش‌نامی جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان و فرهنگ غنی ایران دلیلی برای موافقت و پذیرش و حضور این مهمانان در جشنواره بود.» مسئول بخش بین‌الملل جشنواره در ارتباط با سایر اتفاقاتی که به واسطه تبلیغات و جایگاه جشنواره فیلم کودک و نوجوان در این دوره رخ داده است، می‌گوید: «با توجه به شعار انسان‌دوستی یونیسف و هم‌خوانی این جشنواره با این هدف، سازمان جهانی یونیسف برای این جشنواره تبلیغات مفید و گسترده‌ای انجام داد. چراکه جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان از منظر این سازمان جهانی به عنوان اتفاقی برای ارتقای سطح کیفی و دانش کودکان موثر است.»

اسفندیاری هیئت داوران بخش بین‌الملل را به این شرح معرفی کرد: «داور ایرانی این بخش شامل علی شاه‌حاتمی و ویشکا آسایش است.

هیئت پنج نفره خارجی نیز شامل کریستیانو بوتونه کارگردان ایتالیایی، فیلیپ بودوگ تهیه‌کننده از آلمان، سلمان آریستو فیلمنامه‌نویس اندونزیایی، آتینا ریکاکی از یونان و ریاست اسبق سازمان سیفژ و شیبه فی کارگردان چینی که توانسته دو جایزه خرس طلایی و نقره‌ای جشنواره برلین را دریافت کند.»

مدیر بخش بین‌الملل در ادامه با اشاره به این که جوایز این بخش با نام جایزه محمدالدوره اهدا خواهد شد، افزود: «داوران بخش سیفژ که از سمت سازمان جهانی فیلم کودک در این جشنواره حضور دارند، ولودمیر دیاجلیف از اکراین و رسول صدراعلمی‌اند که به عنوان عضو این سازمان برای داوری در این بخش حضور خواهد داشت.»

او در خاتمه افزود: «با وجود برنامه‌ریزی‌ای که انجام شده بود تا بتوانیم در بخش بین‌الملل سه نشست تخصصی برگزار کنیم، اما فشرده‌گی برنامه‌ها موجب شد تنها یک نشست با داوران بخش بین‌الملل برگزار شود.»

به گفته اسفندیاری برای این هیئت خارجی در کنار برنامه تماشای فیلم و نشست، برنامه‌های جنبی دیگری به منظور بازدید از شهر اصفهان طراحی و اجرایی خواهد شد.



Rich Culture and Reputed Festival

Amir Esfandiari, director of International Affair of the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults, mentioning the impressive participants of non-Iranian cineastes in the festival as guests and jury members, said: "With all the negative propaganda surrounding Iran in the world, Isfahan's International Festival of Films for Children and Young Adults is so reputed and our Iranian culture is so rich that cineastes from all around the world accepted our invitation and attended the festival."

«» مصاحبه خبرنگاران نوجوان با امیرحسین مدرس



هنگامی که ما خبرنگاران مشغول نوشتن گزارش‌های خود بودیم، امیرحسین مدرس به جمع ما خبرنگاران آمد و زمانی که دیدیم ما نخستین خبرنگاران نوجوان در جشنواره هستیم، درباره حرفه خبرنگاری با ما صحبت کرد و ضمن ابراز خوشحالی از این که با سن و سال پایین به خبرنگاری علاقه‌مند شده‌ایم، با راهنموده‌هایش نکاتی درباره این وظیفه به ما گوشزد کرد.

او در بخشی از سخنان خود به شخصیت خبرنگاری اشاره کرد و افزود: خبرنگاران باید اطلاع‌رسانی صحیح و درستی در مورد هر موضوعی که از آن خبر تهیه کنند داشته باشند، ضمن این که هر چه را که می‌شنوند، بتوانند به درستی انتقال دهند. مجری برنامه افتتاحیه بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان در پاسخ این که چرا شما را به عنوان مجری این برنامه انتخاب کردند، بیان داشت: من تجربه حضور چندساله در افتتاحیه و اختتامیه جشنواره کودک را دارم و به همین دلیل مسئولان من را انتخاب کردند. (مصاحبه از معین مرتضوی، علی رنجکش، آواز داخشو)

«» نمایشگاه عکس رضا برجی

نشریه روزانه - نمایشگاه عکس‌های رضا برجی در حاشیه بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان در سالن فرشچیان (سینمای رسانه‌ها) در حال برگزاری است.

به گزارش خبرنگار نشریه روزانه جشنواره در این نمایشگاه عکس‌های برجی که از کودکان کشورهای جنگ‌زده در طول چندین سال گرفته شده به نمایش گذاشته شده است. برجی که پس از جنگ تحمیلی با سفر به کشورهای چون افغانستان، آذربایجان، بوسنی به عنوان خبرنگار جنگ فعالیت می‌کرده، سابقه حضور در ۱۴ جنگ بزرگ دنیا را دارد و از این حیث نیز رکورددار است. از جوایزی که برجی در طول سال‌های فعالیتش دریافت کرده، می‌توان به جایزه بهترین فیلم و کارگردانی جشنواره سوم سیما برای سریال مدال‌های شکسته و اولین نشان ایثار به عنوان هنرمند جانباز در سال ۸۳ اشاره کرد. او همچنین علاوه بر برگزاری نمایشگاه‌های، مختلف در شهرهای مختلف ایران و جهان سابقه عضویت در هیئت داوران جشنواره فیلم‌های مستند و مسابقات عکاسی ایران و جهان را دارد. گفتنی است مستند **سواحل اشک و زیتون** ساخته او تا امروز موفق به دریافت پنج جایزه داخلی و خارجی شده است. از آخرین ساخته‌های برجی می‌توان از مستند **سربداران سربرنیتسا** و سریال **گلوله و زنبق** نام برد.

«» آدم آهنی فیلم برتر از نگاه مردم در روز اول



نشریه روزانه - شور و حالی که جشنواره فیلم کودک و نوجوان به شهر اصفهان می‌دهد، از جنبه‌های مختلفی قابل لمس است. یکی از این راه‌ها بخش امتیازدهی مخاطبان به فیلم‌های روی پرده در طول زمان برگزاری جشنواره است. معیار این امتیازدهی کارتهایی است با عنوان خوب متوسط و ضعیف که به خوب ۵ امتیاز، به متوسط ۳ امتیاز و به ضعیف ۱ امتیاز تعلق می‌گیرد. البته در شمارش آرا تعداد کارت‌های توزیعی و وضعیت سالن بر اساس ظرفیت سالن هم در نظر گرفته می‌شود. بر همین اساس آماري که تا پایان روز اول اکران فیلم‌ها به دست آمده، فیلم **آدم آهنی** با ۳۶۶ هزارم درصد امتیاز در رتبه اول، **گورداله و عمه غولی** با ۲۵۰ هزارم درصد امتیاز در مکان دوم و **بزرگ مرد کوچک** با ۱۴۴ هزارم درصد امتیاز در رتبه سوم قرار دارند. استقبال از فیلم **دامنه‌های سفید** با امتیاز ۱۲۲ هزارم درصد امتیاز در رتبه چهارم قرار داده شده است و فیلم تلیفی انیمیشن و رئال **صداست که می‌ماند** با ۸۹ هزارم درصد امتیاز در رتبه پنجم قرار دارد. در رتبه‌های ششم تا سیزدهم هم فیلم‌های **آقای مدیر**، **قبیله من**، **بچه‌های جسور**، **مروارید**، **بازگشت به آینده**، **فرزندخوانده**، **رویدن در باد** و **چتر سبز** قرار دارند.

نشست فیلم «صداست که می‌ماند»

تلفیق انیمیشن و رئال

مجری کارشناس: سعید قطبی زاده
مهمانان: هادی مشکات (تهیه‌کننده)، سعید چاری (کارگردان)، محمد آزادی (مجری طرح)، رضا رویگری و ثنا صادقی (بازیگر) سعید قطبی زاده (مجری کارشناس): فیلمنامه تنها صداست که می‌ماند، در داستان پردازی بسیار ضعیف عمل کرده بود. با این که می‌دانیم کار برای کودک ساخته شده بود، اما پلان‌ها کمی از هم گسیخته گرفته شده بود.

سعید چاری (کارگردان): موضوع اصلی فیلم در واقع برای یادآوری هنرمندان قدیمی بود و این که بگوییم یک هنرمند هرگز نمی‌میرد. تورج نصر، کاراکتر اصلی این فیلم تلفیقی از انیمیشن و رئال، سال‌ها صدایپیشه کاراکترهای کارتونی بود که برای همه دهه شصتی‌ها نوستالژیک و پر خاطره است. به همین خاطر از او استفاده کردیم تا هم از صدای او کمک بگیریم و هم از شخصیتش. قبول دارم که فیلم نقاط ضعف زیادی داشت، اما از آن جایی که از معدود فیلم‌هایی است که در ایران با تلفیق انیمیشن و رئال ساخته شده، ما تا حد بضاعتمان هر کاری را که از دستمان برمی‌آمد، انجام دادیم. البته این فیلم دو نسخه دارد که نسخه اول را ما برای بزرگسالان ساختیم و نسخه دوم را برای کودکان. در جشنواره فجر نسخه اول نمایش داده شد و خیلی‌ها از روند کند فیلم شکایت می‌کردند و این جا همه از ریتم تند آن می‌گویند. باید بگوییم که در واقع این اولین فیلم بلند سینمایی من است و پیش از این در کارهای تلویزیونی و ویدیویی فعالیت می‌کردم. درباره صدای کاراکترهای پینوکیو و گوریل انگوری با مشکل فقدان دوبله‌های اصلی کار مواجه بودیم، اما دوبله‌های جدید هم نهایت تلاششان را کردند که به صدای اصلی نزدیک باشند.

رضا رویگری: از آن جایی که نوهام آوا در این فیلم بازی کرده، دوست داشتیم در کنار او حضور داشته باشیم و برای همین با خواندن فیلمنامه پیشنهاد بازی را در این کار پذیرفتم. پس

گزارش نشست



We did our best to make a good film

Director of "Lasting is the Sound" Saeed Chaari in the press conference of the movie in the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults said: "There are weaknesses in the film but since this film is one of the rare Iranian films with mixing animation and live action movie techniques we have done our best to make a good film". He also added that this film has been made in two versions that one was made for adults and the other was made for children. He said that the first one was screened in Fajr International Film Festival and it was criticized for its slow rhythm while at this festival it was criticized for its fast rhythm.

علت اصلی حضورم نوه عزیزم بود. دلیل دوم هم این بود که تلفیق انیمیشن و رئال را دوست داشتم و خواستم تجربه جدیدی داشته باشم. خودم هم کارتونی خیلی دوست دارم و بیشتر کارتونی می‌بینم، حتی فیلم‌های خودم را هم خیلی کم نگاه می‌کنم. آوا نوهام هم کارتونی‌هایی مثل سیندرلا و رایبین هود را زیاد می‌بیند. می‌توانم بگویم کاملاً همه‌اش را حفظ است. به همین خاطر خوب توانست با فیلم و کاراکترهای کارتونی ارتباط بگیرد.

هادی مشکات: ۵۸ سال است که در عرصه سینما فعالیت می‌کنم و بالای ۲۳ فیلم را تهیه‌کنندگی کرده‌ام. از آن جایی که استعداد آقای چاری جوان را می‌شناختم، خواستم در اولین فیلم بلندش او را همراهی کنم که در نهایت فیلم موفق هم ساخت.

آزادی: کارگردان در این کار سعی داشت از دوبله‌های قدیمی ایران تقدیر کند. از آن جایی که کار انیمیشن و رئال هم بسیار کم در ایران ساخته شده است، می‌توانم بگویم این کار یکی از موفق‌ترین‌هاست. من به شخصه دوست دارم حتی پنج یا ۱۰ فیلم بسازم که در گیشه فروش نکنند، اما راه برای جوانان با استعداد مثل چاری باز شود.

ثنا صادقی: خدا را شکر می‌کنم که این فرصت پیش آمد که در این فیلم بازی کنم. این کار فقط برای خندانند مردم نیست، بلکه می‌خواهد مفاهیمی را به بیننده القا کند. البته حس نوستالژیک بسیار خوبی که با تلفیق کارتونی‌های دهه ۶۰ به خود من القا شد، برایم بسیار دلپذیر بود.

نشست فیلم «چتر سبز»

فطرت پاک انسانی

مجری کارشناس: کامران ملکی
مهمانان: ناصر رفایی (کارگردان)، فائزه عزیزخوانی (مشاور فیلمنامه)، مهسا زرین‌جوئی (بازیگر)، امیرعلی صبا (مدیر تولید)

کامران ملکی: تشکر می‌کنم از آقای رفایی به خاطر فیلم خیلی خوبشان. باعث افتخار من است که الان این جا کنار ایشان نشستیم. فیلم بسیار عالی بود. با وجود امکانات کم چنین فیلم سختی را که صحنه‌های جنگل بسیار داشت، عالی ساختند. فیلم با افتتاحیه خیلی خوب شروع شد و در همان ابتدا تکلیفش را با تماشاچی روشن کرد و بعد وارد ماجرای داستان شد و در نهایت نتیجه‌گیری کرد. همه چیز در حد استاندارد انجام شد و بازیگران هم همگی سر جای خودشان درست انتخاب شده بودند؛ از پسرک کوچک بگیر تا سایر کاراکترها. در ضمن باید بگویم که ریتم فیلم هم کاملاً عالی بود و از ناصر رفایی عزیز چیزی به غیر از این انتظار نمی‌رود.



دیدم کودکان امروز ما هم درگیر فضای بزرگ‌ترها هستند. بنابراین گفتم بروم سراغ موضوع انسان و طبیعت. جایی که سرشت اصلی انسان از آن جا آمده و به آن جا متعلق است نه جامعه که در آن زندگی می‌کند. خوشبختانه شانس بزرگ من این است که همه ۸۰ میلیون مردم ایران می‌توانند بازیگر فیلم من باشند. من هم برای فیلم‌هایم دوست ندارم سراغ چهره‌ها بروم. تمام سعی‌ام این است

ناصر رفایی (کارگردان): فکر کردن برای موضوع فیلمنامه کار آسانی نیست. آن هم فیلم ساختن به سبک خودم. اصولاً در فیلم‌سازی موضوعات در واقع بهانه‌ای می‌شود که سراغ انسان‌ها برویم، اما داریم می‌بینیم که فضای این گونه موضوعات کاملاً تکراری شده، بنابراین خواستم که درباره خود انسان فیلم بسازم. فطرت انسان. بنابراین ترجیح دادم سراغ کودکان بروم که فطرت پاک دارند، اما

Searching for Clean soul of children

Director of "Green Umbrella", Nasser Refaii in the press conference of the movie in the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults said: "It is not easy to find a good story to tell. Especially when you want to make a movie you like. Generally stories are excuses for studying characters, but there are many movies these days with similar stories. With this movie I wanted to tell a story about nature of human being. I decided to tell a story about kids, because kids soul is clean, but unfortunately I realized today's kids' world is similar with adults' world."

من هم جز این نبود. همین که تعامل خوبی بین فیلمنامه‌نویس و کسی که فیلمنامه را خوانده به وجود بیاید، باعث می‌شود در نهایت کار قوی ساخته شود.

امیرعلی صبا: افتخار می‌کنم که با آقای رفایی کار کردم. کار سنگینی بود، ولی خدا را شکر توانستیم به خوبی و خوشی آن را تمام کنیم.

اما آن چه در آخرین نشست پرسش و پاسخ فیلم‌های روز اول جذابیت داشت، حضور زاون قوکاسیان کارگردان نامی کشور در این مراسم بود. او به همراه مادرش در سالن حضور داشت و در ابتدای برنامه به شدت از رفایی و کارش تمجید کرد. او گفت: «خیلی خوشحال هستم که ناصر بعد از ۱۰ سال و بعد از فیلم امتحان کاری بسیار قوی ساخت و به سینما بازگشت. واقعاً از دیدن کار او بسیار لذت بردم و امیدوارم در ادامه جشنواره فیلم‌های خیلی خوبی مثل فیلم ناصر رفایی ببینم.»

که از داشته‌هایم کمال استفاده را بکنم و برای تک‌تک پلان‌هایم از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنم و برای همه یکسان انرژی می‌گذارم.

مهسا زرین جویی: خیلی خوشحالم که برای بازی در فیلم آقای رفایی انتخاب شدم، البته نقش برایم سخت بود، چون من تا حالا مادر نبوده‌ام و حس مادری را نمی‌دانستم. اما کم‌کم جزئیاتی از نقش را کشف کردم و به آن علاقه‌مند شدم و رفته‌رفته کار برایم آسان شد. از طرفی به خاطر آن که پدرم کارشناس محیط زیست بوده‌اند، با طبیعت و همه اجزای آن آشنایی داشتم و بودن در جنگل با حیوانات ریز و درشت برایم کار سختی نبود.

فانزه عزیز خوانی: آقای رفایی افتخار داده‌اند که اسم من را به‌عنوان مشاور فیلمنامه آورده‌اند. من شاگردی ایشان را می‌کنم. اما وقتی یک نفر دیگر به غیر از خود فیلمنامه‌نویس کار را می‌خواند، بهتر می‌تواند نقاط ضعف و قدرت آن را ببیند و کار

نشست فیلم «فرزند خوانده»



جست‌وجوی با واسطه

مجری کارشناس: سعید قطبی‌زاده

همانسان: وحید نیکخواه‌آزاد، نیلوفر محمودی، نگار نیکخواه‌آزاد

سعید قطبی‌زاده: شما یکی از فیلم‌سازان با سابقه حوزه سینمای کودک به حساب می‌آید که در جشنواره فیلم کودک نیز همیشه حضور فعالی داشتید. نکته مهم نیز این است که در این زمینه همواره با اعتقاد کار خود را می‌کنید. سؤال من این است که با وجود وضعیت فعلی این نوع سینما چه انگیزه‌ای باعث می‌شود هم‌چنان به فعالیت خود ادامه دهید.

وحید نیکخواه‌آزاد: من اعتقاد دارم به هر صورت باید در هر شرایطی کار کرد و نمی‌شود فعالیت نکرد. به عقیده من باید دوران طلایی سینمای کودک که در دهه ۶۰ داشتیم، بار دیگر تکرار شود و این که چنین نمی‌شود، دلیلش را نمی‌دانم. سعید قطبی‌زاده: خانم محمودی و نیکخواه‌آزاد کمی درباره فعالیت‌های خود و حضورتان در این فیلم بگویید.

نگار نیکخواه‌آزاد: فیلم ویدیویی محبوبه که در بخش فیلم‌هایی ویدیویی حضور داشت و فیلم‌های **آلونک** و **کاغذهای رنگی** از جمله کارهایی است که در آن‌ها بازی کردم. هم‌چنین قرار است در سریال احمد امینی نیز بازی کنم.

نیلوفر محمودی: من سال‌ها پیش در فیلم دکل بازی کرده بودم. هم‌چنین چندین فیلم کودک از جمله فیلم **رویای سینما** را سال گذشته داشتم که هنوز اکران نشده‌اند.

وحید نیکخواه‌آزاد: من از ۲۰ سال پیش به قصه این فیلم فکر می‌کردم و در نهایت دو سال پیش به این فیلمنامه رسیدیم. نوجوانان همواره در ذهن من هستند و از زمانی که وارد سینمای کودک و نوجوان شدم، این دغدغه را داشتم و تا کنون نیز بیشتر کارهای من در این حوزه بوده است. در این فیلم ما نباید به دنبال قهرمان باشیم چون چند قصه داریم و به نحوی هر شخصیت قهرمان زندگی خودش است.

هم‌چنین در این فیلم به دنبال این بودم که به مخاطبان نوجوان و رابطه‌شان با پدر و مادرها بپردازم؛ این که والدین ناخواسته با دروغ‌ها و پنهان‌کاری‌های خود چه بلایی سر فرزندانشان می‌آورند. قصد من در این فیلم نمایش فرار سعید نبود و نمی‌خواستیم این مسئله را به شکلی آشکار نشان دهیم. قصد داشتیم با طرح این مسئله جست‌وجوی با واسطه سعید به دنبال حقیقت را به نمایش بگذاریم. هم‌چنین با دنبال کردن چندین داستان هم‌زمان می‌خواستیم این مسئله را نشان دهیم که خانواده‌ها چه لطمه‌هایی می‌توانند به زندگی و فرزندان خود بزنند که این موضوع را با یک داستان

کرد، چراکه در بعضی از آن‌ها همه خانواده‌ها در کنار هم حضور ندارند و مثلاً آن‌هایی که با هم صادق نبودند، جدا از یکدیگر هستند. ولی این که واقعاً کدام یک از آن دو پسر فرزند خوانده بودند را من هم نمی‌دانم! نکته دیگر این که همچون فیلم‌های دیگر که به این شکل ساخته شدند، می‌خواستیم همه قصه‌ها با هم و با هدفی خاص تمام شوند. درباره شخصیت سعید نیز باید اضافه کنم چنین بچه‌هایی در جامعه وجود دارند که از چنین امکاناتی برخوردارند یا به این شکل صحبت می‌کنند.

نیلوفر محمودی: در واقع در شرایطی که امکانات بسیاری در اختیارمان هست، گاهی آن قدر غرق می‌شویم که حواسمان به چیزهای دیگر نیست.

وحید نیکخواه‌آزاد: در پایان باید بگویم که این فیلم حدیث نفس خود من است و با توجه به شرایطی که در طول زندگی داشتم، به برخی از این شخصیت‌ها نزدیک‌تر بودم.

* در این نشست هنرمندانی چون مسعود کرامتی، غلامرضا آزادی، شاپور پورامین و علی شاه‌حانمی حضور داشتند. هم‌چنین در قسمتی از برنامه حضور زاون قوکاسیان باعث شد تا نیکخواه‌آزاد از حاضران بخواهد او را مورد تشویق قرار دهند.

نمی‌توانستیم به شکلی منطقی مطرح کنیم. درباره بازی بازیگران باید به این نکته اشاره کنم که این گروهی که در فیلم می‌بینید، انتخاب‌های اول ما نبودند. اگرچه جزو گزینه‌هایی بودند که به آن‌ها فکر می‌کردیم. در مجموع با این که از ترکیب آن‌ها در کنار هم راضی نیستیم، ولی نکته‌های منفی بازی‌ها را قطعاً متوجه خود می‌دانیم.

شب عید معمولاً ایامی است که همه به خصوص خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند و در این فیلم هم با توجه به این که هدفمان مقایسه این چند خانواده بود، این ایام را انتخاب کردیم. همان طور که پیشتر قرار بود فیلم را در تابستان و ماه رمضان فیلم‌برداری کنیم. چون هر دوی این ایام به یک مناسبت نهایی و خاص ختم می‌شوند و مجالی را برای دور هم جمع شدن خانواده‌ها فراهم می‌کنند.

نسخه اولیه فیلم ۱۱۰ دقیقه بود که با تدوین نهایی که انجام شد، به ۹۳ دقیقه رسید. درباره پایان فیلم و هم‌چنین شخصیت کریم نیز خیلی فکر کردیم. می‌خواستیم شخصیت کریم بر خلاف وضعیتی که دارد به یک راهی برسد تا در پایان بتوانیم خانواده‌های مختلف را در یک زمان ولی با شرایط مختلف ببینیم. این پایان را نباید به هیچ عنوان پایانی خوش تلقی

Rebuilding the golden age of children cinema

Director of "A Foster Child", Vahid Nikkhahazad in the press conference of the movie in the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults said: "I think we have to work in any condition, we should not be idle. We have to rebuild the golden age of Children Cinema we have in 1980s. I don't know why we can't do this." He continued "the idea of this movie was in my mind for 20 years and wrote the script two years ago. Young adults are always in my mind and most of my works are for children and young adults. In this particular movie there is no classic hero, we have different characters with different stories."

گفت‌وگو با حسینعلی شهیدی، مدیر اجرایی جشنواره در شهر اصفهان



از شش ماه گذشته آماده برگزاری جشنواره بودیم

حسینعلی شهیدی، مسئول ستاد برگزاری جشنواره در شهر اصفهان درباره فعالیت‌های این ستاد در شهر اصفهان به منظور برگزاری بیست‌وششمین دوره جشنواره فیلم کودک به خبرنگار نشریه روزانه گفت: «طبق مصوبه‌ای که سال گذشته مبنی بر حضور دائمی جشنواره کودک در اصفهان به امضا رسید، از فردای اختتامیه جشنواره بیست‌وپنجم این ستاد مرکزی جشنواره در اصفهان با توجه به خط مشی‌های خود کارها و اقدامات لازم برای جشنواره امسال را انجام داد. از اوایل اردیبهشت امسال فعالیت متمرکز این ستاد برای برگزاری جشنواره در اصفهان آغاز به کار کرد و تیم‌های مختلف جشنواره به صورت مستمر تا به امروز برای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن جشنواره مشغول فعالیت هستند.»

شهیدی درباره مراحل مختلف اجرایی این جشنواره که از اردیبهشت ماه امسال انجام شد، می‌گوید: «با توجه به شناختی که نسبت به بروکراسی اداری در سینمای ایران داشتیم و با علم به این که می‌دانستیم جشنواره در زمان معین خود برگزار خواهد شد، بسیاری از اقدامات قبل از آن که دبیر محترم جشنواره معرفی شوند، انجام شد تا با مشکلات اجرایی روبه‌رو نشویم.»

مسئول ستاد اصفهان درباره پوشش جشنواره در شهرهای مختلف استان اصفهان گفت: «یکی از کارهایی که در سال گذشته انجام شد و امسال هم سعی کردیم آن را ادامه دهیم، پوشش جشنواره در شهرها و مناطق محروم استان اصفهان بود. امسال علاوه بر این، چهار شهر شاهین‌شهر، خمینی‌شهر، شهرضا و کاشان با همراهی استانداری اصفهان و مدیر کل ارشاد استان به شهرهای نمایش‌دهنده فیلم‌های جشنواره اضافه شده‌اند، تا در فضای جشنواره قرار بگیرند.»

او درباره وضعیت تبلیغات جشنواره و آماده‌سازی شهر اصفهان برای برگزاری بهتر جشنواره می‌گوید: «وضعیت تبلیغات به سه روش بود. یکی از بخش‌ها صدا و سیما و پوشش رسانه ملی بود. یک بخش آن تبلیغات محیطی در سطح شهر بود و در بخش سوم با همراهی آموزش و پرورش استان کارناوال‌های شادی در سطح شهر و در مدارس با حضور دانش‌آموزان برگزار می‌شود. یکی از این برنامه‌ها حضور کودکان در کنار زاینده‌رود و پرواز بادبادک‌ها در آن منطقه بود. جشن روز جهانی کودک و گذر کردن کالسکه‌های شادی در سطح شهر با آرم جشنواره از دیگر برنامه‌های ما برای درگیر شدن شهر اصفهان با فضای جشنواره بود.»

شهیدی درباره حضور مردم در سینماها می‌گوید: «یک تفاهم‌نامه با آموزش و پرورش استان اصفهان برقرار شد که طی آن با در اختیار گذاشتن بلیت‌های رایگان به منظور حضور کودکان برای تماشای فیلم‌های جشنواره سعی کردیم کودکان عزیز اصفهانی که مخاطبان اصلی این جشنواره هستند، به تماشای فیلم‌ها بنشینند. برای رفت و آمدشان هم با همکاری شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان مسیر رفت و آمد برای آنان فراهم شده است. برای حضور شهروندان عزیز اصفهانی و تماشای فیلم‌ها ضمن این که بلیت‌فروشی در گیشه‌های سینماهای نمایش‌دهنده انجام می‌شود، دانشجویان عزیز می‌توانند با تخفیف ۵۰ درصدی به تماشای آثار سینمایی بنشینند.»

مسئول ستاد برگزاری جشنواره در شهر اصفهان در ادامه می‌گوید: «لازمه پیشرفت سینمای استان اصفهان و حضور گسترده سینماگران در عرصه سینمای کودک حضور مستمر این جشنواره در شهر اصفهان است که در یک نمونه کوچک آن استقبال نویسندگان اصفهانی از مسابقه فیلم‌نامه‌نویسی است. امیدواریم این تداوم حضور جشنواره در اصفهان و میزبانی از سینمای کودک موجب ارتقای این بخش از سینمای ایران بشود.»

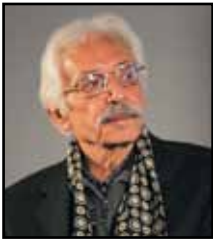
شهیدی در پایان گفت: «جا دارد در آخر از زحمات و همراهی جناب آقای میرعلایی، دبیر محترم جشنواره تشکر کنم که به حق در کنار ما و دلسوز سینمای ایران هستند.»



The evidence for being successful

The Executive Manager of 26th International Festival of Films for Children and Young Adults in Isfahan province, Hossein Ali Shahidi, believes that having Children and Young Adults film festival in Isfahan is an essential factor for improvement of cinema in Isfahan province. He thinks that warm welcome from writers in Isfahan for participating in film script writing competition is the evidence for Isfahan success in previous years.

گفته‌ها



جمشید مشایخی

تولید فیلم برای مخاطبان این گروه سنی، نیازمند شناخت ظرفیت‌های سینما و نیازهای جسمی و روانی کودکان است.

توجه به جذابیت در محتوا و ساختار لازمه تولید در سینمای کودک است و از سوی دیگر فیلم‌ساز کودک باید با ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی این مخاطبان آشنا باشد تا اثر تولیدی بتوان نیازهای کودکان را پاسخ مناسبی دهد. مقوله آموزش و ارائه پیام در فیلم در مرحله بعدی قرار دارد که این پیام می‌بایست به شیوه‌ای جذاب و غیرشعاری به مخاطب ارائه شود.



جمال شورجه

برگزاری چنین جشنواره‌هایی با موضوعات خاص می‌تواند در جهت رشد و تعالی سینما بسیار تأثیرگذار باشد؛ ضمن این که رقابت برای تولیدات با کیفیت هم بیشتر می‌شود.

متأسفانه فیلم‌نامه‌نویسان در این ژانر برای رسیدن به یک فیلم‌نامه استوار و قوی تحقیق و پژوهش کمی دارند. این نکته بسیار مهم است که باید از ساخت فیلم‌نامه‌های تکراری و کلیشه‌ای پرهیز کرد؛ چون سینمای کودک ما نیازمند موضوعات جذاب است. ما باید در انتخاب داستان‌ها سبک و سیاق خاصی داشته باشیم و به درستی شخصیت‌پردازی کنیم تا این سینما از فیلم‌نامه‌های ضعیف لطمه نخورد.



لاله اسکندری

سینمای کودک باید پاسخ‌گوی نیازهای مخاطبان این گروه سنی باشد. کودکان و نوجوانان بخش عمده‌ای از جامعه ما را

تشکیل می‌دهند و به همین دلیل باید به نیازهای آن‌ها توجه ویژه‌ای کنیم. سینمای کودک باید ارتباطی دو سویه با زندگی کودکان داشته باشد و به نوعی از نظر بصری آن‌ها را تأمین کند.

با بهره‌گیری از عناصر فانتزی و جذاب در ساخت فیلم کودک در شرایط فعلی باز هم فیلم‌های کودکان و نوجوانان می‌تواند مورد توجه بچه‌ها و خانواده‌ها قرار بگیرد.



علیرضا زرین‌دست

جشنواره فیلم کودک جایگاه شاخصی در سطح جهان دارد هر ژانری مختصات خاص خود را دارد و حتی این

مسئله روی نوع فیلم‌برداری نیز تأثیر می‌گذارد. سینمای کودک نیز ویژگی‌های خاصی دارد که باید به آن‌ها توجه شود. نباید فیلم‌سازی در سینمای کودک را آسان تصور کنیم. مهم‌ترین مسئله در سینمای کودک این است که فیلم‌برداری اثر باید با لحنی ساده و بی‌تکلف انجام شود تا مناسب ذائقه و سلیقه مخاطب باشد.



یادداشت

مازیار فکری‌ارشد

چتر سبز ساخته ناصر رفایی

ادامه جریان سینمای کانونی

چتر سبز ساخته جدید ناصر رفایی را می‌توان ادامه جریان سینمای کانونی (تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه ۶۰) دانست. فیلمی ساده و سراسرت که از همه عناصر فیلم‌های کانونی مثل لوکیشن‌های بکر روستایی، داستان‌هایی ساده و دو خطی که در طول گسترش پیرنگ روایتی چند لایه و پیچیده می‌شوند و پرداختن به دغدغه‌های کوچک اما پراهمیت کودکان بهره می‌برد.

پیرنگ اصلی روایت در چتر سبز ماجرای خانواده‌ای سه نفره را بازگو می‌کند که از روستایی در شمال کشور به تهران مهاجرت کرده و در پیچ و خم ضوابط دشوار زندگی در پایتخت، به مرز فروپاشی رسیده است. زن و شوهر قصد جدایی از یکدیگر را دارند و پسر خردسال آن‌ها از این موقعیت جدید رنج می‌برد. او که همراه مادرش به روستای زادگاه والدینش رفته، شرایط زندگی تازه را برنمی‌تابد. تا این‌که با پسری محلی دوست می‌شود و روزهای خود را با او می‌گذراند. روزی در جنگل گم می‌شود و پدر و مادرش همراه اهالی روستا به دنبالش می‌گردند.

مهم‌ترین نکته در چتر سبز خرده داستان شکار غیرقانونی حیوانات در مناطق جنگلی شمال است که اندک‌اندک به پیرنگ اصلی قصه تبدیل می‌شود و روایت اولیه را به حاشیه می‌راند. یکی از شخصیت‌های اصلی قصه در فرایند شکار غیرقانونی دست دارد. وقتی پسرک در جنگل گم می‌شود، به تله‌های نهاده‌شده برای شکار برمی‌خورد و با خوش‌شانسی از مهلکه‌های خطرناک جان به در می‌برد. اما بچه خرسی که در جنگل با او انس می‌گیرد، در یکی از تله‌ها گرفتار می‌آید. فیلم از نیمه به بعد بیشتر روی این موضوع تکیه می‌کند و همین امر به دو پارگی قصه می‌انجامد. به ویژه آن‌که ماجرای جدایی والدین پسرک به تدریج از مرکز ماجرا به حاشیه رانده می‌شود و در نهایت هم به فرجامی روشن نمی‌رسد.

◀ نامه‌ای برای کودکان (بهاره رهنما)

رویسازی برای پدران و مادران فردا

آدمیزاد بدون تخیل و رویا فرقی با یک موجود غیرزنده ندارد. آدمی بدون احساس و رویا، ترسناک و بی‌روح است. رویا و تخیل که بخش عظیمی از آن در روزهای کودکی شکل می‌گیرد، می‌تواند با فیلم‌های خوب و مؤثر، قدرت یابد. متأسفانه با وجود همه تبحری که سینمای جهان در خلق آثار بزرگ سینمایی دارد، هنوز هم سینمای علمی-تخیلی و کودک به اندازه آثار دیگر سینمایی پیشرو نیست و شاید مائینی شدن بشر امروز یکی از دلایلی باشد که کودکان را به سمت بی‌رویا شدن سوق می‌دهد. شاید یکی از مهم‌ترین عواملی که خیال کودک را پرواز می‌دهد، همین سینما باشد. جادوی تصاویر می‌تواند هر



کودکی را در عالم خیال پرواز دهد تا در آینده هم با همین پشتوانه رویاپردازی بتواند زندگی بهتری را پیش رو داشته باشد. از روزهای نخست تاریخ سینما، کودکان شاید حتی بیشتر از بزرگ‌ترها به سینما و همین‌وجه رویاپردازی آن توجه کرده‌اند و حتی در بزرگسالی هم با همان خاطرات فیلم‌های کودکی‌شان در مقابل ترس‌ها و دشواری‌های زندگی مقاومت کرده‌اند.

سینمای کودک، گاهی هم بزرگ‌ترها را نشانه می‌رود، ولی در اصل همدم کودکان است و برای روزهای دشوار بزرگسالی می‌تواند بچه‌ها را رجعت دهد به خاطرات خوش و همان رویاهای رنگارنگ. در واقع علاوه بر این‌که کودک را در همان دوران بچگی همراهی می‌کند و به او زندگی می‌آموزد، برایش کمک هم هست تا وقتی بزرگ شد و با زندگی و عجایبش مواجه شد، به کمک همان رویا سختی‌ها را کنار بزند و با دشواری‌ها سرسختانه روبه‌رو شود و بتواند مهربانی و رئوفی را در وجودش نهادینه سازد. سینمای کودک، پدر و مادرهای آینده را می‌سازد. آینده را می‌سازد و به جامعه مهربانی و شور تزریق می‌کند. در بزرگسالی به کودکی رجعت‌مان می‌دهد و می‌تواند مسیر آینده‌مان را هموارتر سازد. این سال‌ها علاوه بر کم‌رنگی سینمای کودک، کم‌رنگی مجلات کودکی مثل «کیهان بچه‌ها» که کودکی ما را خوش‌رنگ می‌کرد، عامل دیگری است که کودکان امروز را بی‌رویاتر می‌کند و کاش روزی همه بدانند که اهمیت دادن به کودکان یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند آینده جهان را بهبود بخشد.



روایت برای کودکان (۲)

رامتین شهبازی



روایت «برای کودکان» و «درباره کودکان» همواره مورد مناقشه اهل سینما بوده است. در حالی‌که روایات در این دو نوع سینما با یکدیگر کاملاً متفاوت است. از همین روی در دو یادداشت جداگانه محورها و تمهیدات روایتی مخصوص به این دو نوع سینما را به شکلی جداگانه مرور خواهیم کرد.

مایکل جی. تولان در کتاب درآمدی نقادانه - زبان‌شناختی بر روایت که ابوالفضل حرّی آن را ترجمه کرده است، روایت برای کودکان را روایتی که کودکان نیز نامیده و آن را به چند نوع مختلف تقسیم می‌کند. انواعی که هر یک دارای تمهیداتی ویژه برای برقراری ارتباط با مخاطب است. این تقسیم‌بندی‌ها عبارت‌اند از شفاهی در برابر مکتوب؛ شفاهی رودررو در برابر شفاهی دور از دست (مثل رادیو یا کاست)، شفاهی رودررو و یک به یک (همانند پرستاری که داستانی را برای یک کودک نقل می‌کند) در برابر شفاهی رودررو و یک به چند (همانند داستانی که یک معلم برای چند دانش‌آموز تعریف می‌کند)؛ شفاهی یک به یک و رودررو و فی‌البداهه در برابر داستان‌های به لحاظ موقعیت مشابهی که تا اندازه‌ای متن‌محورند.

آنچه تولان در تقسیم‌بندی خود ارائه می‌دهد، داستان‌های دایجیتیک یا خودگو مورد توجه قرار گرفته‌اند و در این میان جای خالی داستان‌های محاکاتی که سینما می‌تواند یکی از آن‌ها باشد، خالی به نظر می‌رسد. در روایت‌های محاکاتی که اصل بر کنش بنا شده است، مخاطب کودک داستان را نه در قالب بیان واژگان و گفتار که در قالب رفتار و کنش شخصیت‌ها می‌بیند. چیزی نزدیک به آن چیزی که در برخورد با اسباب‌بازی‌های هشگام بازی با آن‌ها در ذهنش رخ می‌دهد. از همین روی کارگردانی که برای کودکان فیلم می‌سازد، باید نشانه‌هایی را تدارک ببیند که این نشانه‌ها یارای برقراری ارتباط با مخاطب را داشته باشد. در این زمینه و برای روشن شدن بحث می‌توان از مجرای ارتباطی رومن یا کوپسین سود جست. یا کوپسین به فرستنده‌های معتقد است و گیرنده‌ای که فرستنده در آن راه مجرای ارتباطی، پیامی نشانه‌گذاری شده را برای مخاطب خود که گیرنده باشد، ارسال می‌کند. شکل این مجرا و گشودگی و تنگنای آن در برخورد با مخاطب‌های مختلف متفاوت به نظر می‌رسد. در برخورد با کودکان متناسب با فرهنگ جغرافیایی و رفتاری این مجرا می‌تواند متفاوت طراحی شود.

برای نمونه در یک روستا که امکان دست‌یابی کودکان به وسایل ارتباط جمعی کمتر است، این مجرا باید کاملاً گشوده باشد و کارگردان نشانه‌ها را تا آن‌جا که می‌تواند، بسط‌یافته به تماشاگرش عرضه دارد. در برخی نقاط دیگر به دلیل دست‌یابی مخاطبان به رسانه‌های جمعی این مجرا می‌تواند تنگ‌تر طراحی شود. اما در کل کودکان نیاز به مجرای ارتباطی گشوده دارند و نمی‌توان برای آن‌ها از نشانه‌های متمرکز استفاده کرد. از همین روی سینما می‌تواند از تمام امکانات بیانی خود سود جوید تا با کودک ارتباط لازم را برقرار کند. در یک نمونه اجمالی برای این بحث می‌توان از

فیلم **دزد عروسک‌ها** یاد کرد که محمدرضا هنرمند آن را در اواخر دهه ۶۰ مقابل دوربین برده است. در این فیلم موفق کودکان که هنوز می‌توانند برای تماشاگرش جذاب باشند، کارگردان از چند امکان بیانی مختلف برای مخاطب سود می‌جوید. نخست این‌که داستان را تا حد امکان در حوزه تخیل گسترش می‌دهد؛ تخیلی که تماشاگر کودک می‌تواند نشانه‌های آن را باور کرده و دنیای ذهنی خود را با آن منطبق کند. این استفاده از تخیل به نکاتی نزدیک می‌شود که در یادداشت شماره پیشین صاحب این قلم ذکرش رفت. از سوی دیگر کارگردان تکنیک فیلم زنده را با انیمیشن ترکیب می‌کند. این ترکیب اگرچه زیرشاخه‌ای از عنصر تخیل است، اما هم‌کناری‌هایی با دنیای ذهنی کودک ایجاد می‌کند که این هم‌کناری آرامش و توازنی را با دنیایی که او می‌شناسد، برقرار می‌کند.

همین استفاده چند منظوره از زبان‌های مختلف بصری نشانه‌ها را تا آن‌جا که ممکن است برای مخاطب می‌گشاید. هیچ نکته‌ای از دنیایی که کودک روی پرده می‌بیند، در ذهنش گنگ نماند و با توجه به شناخت اندکی که کودک از جهان پیرامون دارد، به دنیای ایجادشده اعتماد کرده و آن را ملموس می‌یابد. این اتفاق در فیلم‌های دیگری همچون **شهرموش‌ها**، **پاتال و آرزوهای کوچک**، **گلنار** و مجموعه **کلاه قرمزی**‌ها نیز تکرار می‌شود. اما کارگردان‌هایی که نمی‌توانند با کودکان ارتباط برقرار کنند، به این دلیل است که مخاطب را به خوبی هدف‌گیری نکرده و مجرای درستی را برای ارسال پیام خود انتخاب نکرده‌اند. از همین روی آثارشان در اصطلاح علمی با پارازیت روبه‌رو شده و نمی‌تواند در ذهن مخاطب تعریف شود. این مجرا در فیلم‌هایی که درباره کودکان ساخته می‌شود، متفاوت است و در بخش بعد درباره آن مجرا نیز جداگانه سخن خواهیم گفت.

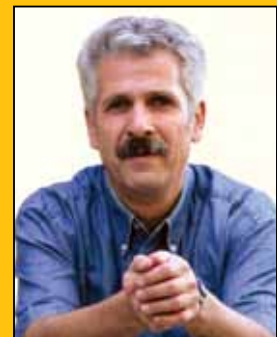




« با سیروس حسن‌پور درباره فیلم « مروارید»

دوست دارم ارتفاع دوربین

هم سطح بچه‌ها باشد



کارگردان: سیروس حسن‌پور
تهیه‌کننده: جواد نوروز بیگی
فیلمنامه‌نویسان: محمد مرادپور، س. حسن‌پور
فیلم‌بردار: سعید نیک‌ذات
بازیگران: علیرضا اوسیوند، سیروس کهوری نژاد، مهدی فقیه، پریش نظریه

خلاصه داستان: فیلم درباره نوجوانی است که پدرش از صیادان محلی مروارید است و بر اثر حادثه‌ای دیگر نمی‌تواند به کارش ادامه دهد و به همین دلیل خانواده دچار مشکلات اقتصادی می‌شوند. در همین زمان پسر نوجوان با نوعی لاک‌پشت کمیاب مواجه می‌شود که برای تخم‌گذاری به ساحل آمده است. او دچار این کلنجار و جدال شخصی با خودش می‌شود که باید از تخم‌ها محافظت کند لاک‌پشت‌ها به دنیا بیایند تا آن‌ها را بفروشد و به خانواده‌اش در حل مشکلات مالی‌شان کمک کند.

حدود

پنج سال پیش مستندهایی را درباره زندگی لاک‌پشت‌ها در دریا و صید مروارید دیدم که خیلی برایم جالب بود. بعد احساس کردم که می‌توانم این موضوعات را با هم تلفیق کرد و از دل آن داستانی را درآورد. حدود ۱۰ بار به مناطق مختلف قشم برای انجام تحقیقات سفر کردم و در نهایت قصه فیلم به مرور زمان شکل گرفت.

فیلم‌های

قبلی من نیز در زمینه کودک و نوجوان است. در واقع زاویه دوربینم به سمت بزرگسالان نمی‌چرخد و دوست دارم ارتفاع دوربین هم‌سطح بچه‌ها باشد. احساس می‌کنم در دنیای بچه‌ها داستان‌های بهتری پیدا می‌شود و فضاهای جدیدتری را می‌توان یافت. درباره این فیلم هم به نظرم رسید که اگر این موضوع از زاویه دید نوجوان‌ها دیده شود، تأثیر بیشتری می‌گذارد. با وجود این که کار کردن با بچه‌ها سختی‌های خاص خود را دارد. اما همیشه برایم دلچسب و شیرین بوده است و دوست دارم در این زمینه کار کنم.

متأسفانه

اغلب فیلم‌ها در تهران متمرکز است و خیلی کمتر از شهرهای دیگر ایران استفاده می‌شود. در حالی که ایران مناطق جغرافیایی و بومی و محلی متنوع و مختلفی دارد که تمام خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌های آن جای بحث و بررسی دارد و می‌توان از آن‌ها قصه‌های خوبی به دست آورد و دغدغه‌های تازه‌تری را بیان کرد و ارتباط بهتری با مخاطب برقرار کرد. به نظرم مخاطب امروز از تماشای فضاهای بومی در فیلم‌ها استقبال زیادی می‌کند. در واقع حس خستگی و یک‌نواختی ناشی از زندگی ماشینی و مدرن در شهرهای بزرگی مثل تهران باعث می‌شود که آن‌ها به دیدن مناطق بومی و محلی علاقه پیدا کنند و تماشای آن باعث آرامش روحی و روانی آن‌ها شود و برایشان تنوع و فراغت ایجاد کند.

با وجود این که شخصیت‌ها گویش و لهجه محلی جنوبی دارند، اما سعی کردیم بیشتر از حالت محاوره‌ای و روزمره لهجه‌های بندرعباس و قشم استفاده شود که زیاد پیچیده و غیرقابل فهم به نظر نرسد و همه بتوانند به راحتی با آن ارتباط برقرار کنند و آن را درک کنند.

فیلم‌هایی

که قهرمان اصلی آن‌ها خود بچه‌ها هستند و در طول قصه دست به جست‌وجو می‌زنند و دچار ماجراهای مختلف می‌شوند، برای بچه‌ها جذاب‌تر است. چون بچه‌ها در چنین موقعیتی بهتر می‌توانند با قهرمان هم‌سن‌وسال خودشان هم‌ذات‌پنداری کنند و خودشان را به جای او بگذارند و با آن اتفاقاتی که در طول مسیر قصه برای قهرمان رخ می‌دهد، همراهی بیشتری نشان دهند و در نتیجه شاهد تأثیرپذیری عمیق‌تری در جهان بینی و دیدگاهشان هستیم.

بزرگ‌ترین

مشکل در سینمای کودک و نوجوان جدی نگرفتن این فرصت توسط مسئولان فرهنگی کشور است. همه سرشان به فیلم‌های بزرگسالان گرم است و کسی به فیلم‌های مورد نیاز بچه‌ها اهمیتی نمی‌دهد. در حالی که باید مجموعه متنوعی از گونه‌های مختلف از فیلم‌ها برای بچه‌ها ساخته شود و در سبب فرهنگی آن‌ها قرار بگیرد.

به نظرم در زمینه فعال شدن سینمای کودک و نوجوان، آموزش و پرورش می‌تواند نقش مهمی داشته باشد و تأثیر زیادی به جا بگذارد. در همه جای دنیا آموزش و پرورش برای بچه‌ها برنامه‌های خاص سینمایی می‌گذارند، برایشان فیلم در مدارس نمایش می‌دهند، آن‌ها را به سینما می‌برند. چون آموزش و پرورش با تعداد زیادی دانش‌آموز سروکار دارد، به خوبی می‌تواند به عنوان پلی میان بچه‌ها و فیلم‌سازان ارتباط درستی میان آن‌ها و سینما برقرار کند و نیازها، دغدغه‌ها و مسائل مرتبط به بچه‌ها را به فیلم‌سازان منتقل کند، ولی الان کاری نمی‌کند و فاصله و حفره بزرگی میان این دو بخش به وجود آمده است.



با نادره ترکمانی
درباره فیلم «گورداله و عمه غولی»

افسانه‌ها هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند

کارگردان و تهیه‌کننده: نادره ترکمانی
فیلمنامه‌نویسان: خسرو صالحی، ن. ترکمانی
فیلمبردار: مرتضی غفوری
خلاصه داستان: خانواده گورداله ناخواسته در دام غول می‌افتند و گورداله با ذکاوت و هوشیاری باعث نجات خانواده می‌شود. داستان فیلم درباره پسرکی به نام گورداله است که همراه پدرش برای خارکنی می‌رود و طی حوادثی غول را می‌خورد که مشکلاتی را برای خانواده‌اش به وجود می‌آورد، ولی تلاش می‌کند تا به خانواده‌اش کمک کند و آن‌ها را نجات دهد.

من همیشه نظر بچه‌هایم را درباره فیلمی که می‌سازم، می‌پرسم. گاهی همان زمان نوشتن فیلمنامه که قصه کم‌کم جلو می‌رود، آن را برایشان می‌خوانم یا موقع ساخت، صحنه‌هایی از فیلم را نشانشان می‌دهم تا از نظراتشان استفاده کنم. مثلاً دخترم درباره فیلم **خاله سوسکه** می‌گفت که یک فیلم دخترانه است ولی فیلم **گورداله و عمه غولی** را بیشتر یک فیلم پسرانه می‌داند. البته بچه‌های خودم چون از ابتدا در جریان فیلم‌سازی هستند، نوع تأثیرپذیری‌شان با بچه‌هایی که هیچ ارتباط مستقیمی با فیلم‌سازی ندارند، تفاوت می‌کند. بنابراین از بچه‌های دیگر هم نظرسنجی می‌کنم که ببینیم ارتباطشان با فیلم و قصه و شخصیت‌ها چطور است.

اگر جشنواره کودک و نوجوان متعلق به بچه‌هاست، باید به بچه‌های سراسر ایران تعلق داشته باشد نه این‌که فقط در یک شهر خاص محدود شود و بچه‌های شهرهای دیگر هیچ خبری از وجود این جشنواره نداشته باشند. اساساً مهم‌ترین هدف هر جشنواره‌ای توسعه و رونق آن گونه سینمایی مورد نظر جشنواره است. ضمن این‌که رویکرد، اهداف و انتخاب برگزارکنندگان جشنواره با چیزهایی که بچه‌ها می‌خواهند، کاملاً تفاوت دارد. بارها دیده‌ایم که فیلم‌های برگزیده جشنواره‌ها در مواجهه با بچه‌ها در اکران مورد پسند و توجه آن‌ها قرار نگرفتند. بنابراین اگر می‌خواهیم جشنواره تأثیرگذاری داشته باشیم، باید به همه بچه‌های ایران تعلق داشته باشد، در جهت توسعه و رونق سینمای کودک و نوجوان گام بردارد و دیدگاه‌ها و انتخاب‌هایش را به نظر و علاقه بچه‌ها نزدیک کند.

بنابراین همه شخصیت‌های فیلم عروسک‌ها هستند و فقط سه تا شخصیت زنده داریم که آن‌ها هم حیواناتی چون الاغ و کبوترها هستند. ویژگی فیلم **گورداله و عمه غولی** در این است که با وجود تعداد زیاد کاراکترهای عروسکی‌اش، در لوکیشن‌های واقعی ساخته شده و اصلاً از ماکت و استودیو استفاده نکرده است. در واقع تمام قصه در محیط‌ها و فضاهای رئال می‌گذرد و عروسک‌ها در لوکیشن‌های واقعی به کار گرفته شدند.

بخش وسیعی از جمعیت ما را کودکان تشکیل می‌دهند. من خودم هم دو تا بچه دارم و همیشه فکر می‌کردم که چرا هیچ فیلمی نیست که همراه با بچه‌هایم برای دیدنش به سینما بروم. من سال‌هاست که در حوزه مستندسازی درباره کودکان کار می‌کنم. در طول این سال‌ها به خیلی از فیلم‌سازان ایده‌هایی را برای ساخت فیلم برای بچه‌ها پیشنهاد دادم، ولی متأسفانه بیشتر فیلم‌سازان سینمای کودک از آن فاصله گرفتند. بنابراین این دغدغه برای خودم و همسرم پیش آمد که خودمان در زمینه فیلم برای بچه‌ها کاری بکنیم. من اساساً بچه‌ها را خیلی دوست دارم و دلم می‌خواهد در این زمینه برایشان فضایی فراهم شود که آن‌ها هم سهمی در سینما داشته باشند.

بچه‌ها با توجه به فیلم‌هایی که در این سال‌های اخیر می‌بینند، بیشتر فیلم‌های پسر جنب‌وجوش، پرسرعت و حرکت و پرکنش و واکنش را دوست دارند و خیلی به فیلم‌هایی با فضای کند و کمرق علاقه نشان نمی‌دهند. البته مهم‌ترین اصل در فیلم‌های کودک و نوجوان قصه‌پردازی است؛ قصه‌هایی پسر از هیجان و رویاپردازی و ماجراجویی و تخیل.



ایده اولیه فیلم از کتاب **افسانه‌های سرزمین من** می‌آید که مجموعه‌ای از قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه است که آقای خسرو صالحی آن را در سال ۷۷ چاپ کردند. فیلم قبلی من **خاله سوسکه** نیز به داستان‌های کهن و فولکلوریک و قصه‌های مادر بزرگ‌ها تعلق داشت. خیلی فکر می‌کنند دوره افسانه‌ها گذشته است، اما نظر من این است که افسانه‌ها به مرور زمان و پیشرفت تکنولوژی و مدرن شدن، هم‌چنان می‌توانند بچه‌ها را جذب کنند و هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند. شاید بنا بر سلیقه هر فیلم‌سازی در شیوه روایت این افسانه‌ها تغییراتی داده شود، ولی همیشه قابل استفاده هستند. همین طور که می‌بینیم کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی به دنبال افسانه‌های کهن ما هستند و این نشان می‌دهد که پتانسیل قوی در این داستان‌ها وجود دارد که می‌توان همواره به آن‌ها رجوع کرد.

گورداله و عمه غولی یک فیلم تمام عروسکی است که می‌توان گفت در این سه دهه بعد از فیلم **شهر موش‌ها** ما هیچ فیلم تمام عروسکی دیگر نداشتیم.

گورداله و عمه غولی

یادداشت

شور قصه‌پردازی کودکان

مازیار فکری‌ارشد

را از همان ابتدا با خود همراه می‌کند. تنوع شکل و لحن گفتار عروسک‌ها (با بهره‌گیری درست و مناسب از لهجه‌های مناطق گوناگون ایران زمین) به هر شخصیت عروسکی هویت ویژه و منحصر به فردی بخشیده که قطعاً نه تنها برای کودکان، که برای والدینشان نیز خاطره‌انگیز خواهد ماند.

حال و هوای موزیکال و فانتزی **گورداله و عمه غولی** هم وجه دیگری از جذابیت‌های این فیلم را شکل می‌دهد. در مجموع فیلم‌ساز کوشیده از همه عوامل جذاب برای ساخت اثری به یادماندنی برای مخاطب خردسال به درستی و به اندازه کافی بهره‌جوید که در این امر موفق است. در نهایت به نظر می‌رسد سینمای کودک و نوجوان در ایران باید حلقه‌های گم‌شده خود به ویژه شور قصه‌پردازی و سرگرمی را دوباره پیدا کند.

در میان فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه سینمای ایران جشنواره بیست و ششم، **گورداله و عمه غولی** نزدیک‌ترین نسبت را با مفهوم واقعی سینمای کودک دارد. یک فیلم عروسکی شاد، ریتمیک و موزیکال که صاحب قصه‌ای جذاب برای کودکان است. **گورداله و عمه غولی** در مقیاس سینمای ایران اثری جذاب و مفرح برای گروه سنی کودکان محسوب می‌شود که شوق و وجدی سینمایی را برای بچه‌ها به همراه می‌آورد.

گورداله و عمه غولی به سادگی و در لابه‌لای داستان کودکان‌اش، پیرنگ داستانی روشن و جذابی دارد که می‌تواند به نخستین عامل جذب مخاطب طیف سنی هدفش، یعنی گروه سنی دبستان و دوره راهنمایی تبدیل شود؛ نکته‌ای که بسیاری از فیلم‌های کودک و نوجوان این روزگار سینمای ما از آن غافل مانده‌اند. فیلم کودک و نوجوان در وهله اول باید قصه‌ای جذاب و پرکشش داشته باشد و در مرحله بعد، به پیام یا نکات آموزشی توجه کند. در غیر این صورت قادر به انتقال هیچ پیام انسانی یا نکته آموزشی نخواهد بود.

گورداله و عمه غولی در مرحله پردازش شخصیت بسیار موفق عمل کرده و با دیالوگ‌هایی روان و گاه طنزآلود، مخاطب



با حسن آقا کریمی، درباره فیلم «آقای مدیر»

نگاه کردن به درون

احسان حسینی‌نسب



به ویژه شهرهای بزرگ منسوخ شده مثل نوشتن نامه و درد دل کردن حالا با هر کس. در این جا رفتن به سفر مشهود بهانه‌ای است برای این که بچه‌ها درد دل‌هایشان را بنویسند و انتظار داشته باشند جایی به آن توجه بشود. این سنت‌ها، نامه‌نگاری‌ها، گله و شکایت کردن‌ها از کسانی که آدم انتظار دارد تأثیر گذار باشند در زندگی افراد، مرسوم‌تر و قابل باور تر است. به این دلیل محیط روستا انتخاب شد. دوم این که در روستاها و در شهرهای کوچک ما، محیط‌های آموزشی به شدت بسته‌تر است و مسئولان آموزشی یا اولیای آموزشی به تسلط خیلی بیشتری دارند و می‌توانند در این محیط‌ها غیر از مسائل آموزشی و تربیتی بر زندگی افراد (دانش‌آموزان) هم نظارت داشته باشند و هم تأثیر بگذارند. به این خاطر طبیعتاً انتخاب روستا هم شکلی بوده که خود داستان تلقی کرده و این که کمتر واقعاً به این موضوع توجه داشتیم که معجزه را بخواهیم در آن از این طریق ثابت کنیم.

وقتی در روستا یا در منطقه خاصی کار می‌کنید، برای قابل باور کردن از افراد بومی استفاده می‌کنید. به ویژه دانش‌آموزان هم گویش خاصی دارند، هم نوع رفتار خاصی در محیط‌های مختلف دارند. بنابراین در این فیلم قسمت عمده‌ای از بازیگران را کودکان تشکیل می‌دهند که این کودکان الزاماً باید از خود محل انتخاب بشوند. در مورد بازیگر من به حرف‌های بودن آن‌ها فکر نکردم، به این که قابل باور باشند فکر کردم. تصور می‌کنم هر کسی جدا از هر نظری که راجع به فیلم داشته باشد، این معلم و این معلم - مدیر برایش قابل باور است و کسانی که آقای نجفی را نمی‌شناختند، تصور می‌کردند ایشان هم معلمی است که ما به کار گرفتیم.

این نوع فیلم‌ها یا هر نوع فیلمی که برای مخاطب ساخته می‌شود، می‌بایست جذابیت خود را داشته باشد تا مخاطب را جذب بکند. خوشبختانه در کانون - به عنوان تهیه‌کننده این فیلم - عمده هدف، کودکان و نوجوانان فعال در مراکز کانون هستند. کانون بیش از ۸۰۰ مرکز فرهنگی هنری در سراسر کشور دارد که مخاطب اصلی تولیدات کانون هستند. نه این که کانون به اکران عمومی فکر نکند، ولی هدف اصلی آن تغذیه اعضای کتابخانه‌های آن در مراکز فرهنگی هنری در سراسر کشور است. به نظر من این نوع فیلم‌ها که به هر حال نیاز به حمایت‌هایی دارند، می‌بایست که جدای از اکران عمومی، اکران خاص مثلاً حداکثر در دو سه سینما بشوند. اما پخش اصلی آن‌ها باید از طریق رسانه‌هایی مثل صدا و سیما باشد و همین کاری که ما می‌کنیم، پخش آن در کتابخانه‌ها. ❌

کارگردان: حسن آقا کریمی
تهیه‌کننده: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
فیلمنامه‌نویس: رضا حیدر نژاد
فیلم‌بردار: کامیار فاروقی
بازیگران: قربان نجفی، معصومه بافنده، غدیر کشاورز

خلاصه داستان: مدیر مدرسه‌ای در روستا، رابطه صمیمانه با بچه‌ها ندارد. او که با وجود معالجات صاحب فرزندش نشده است، تصمیم می‌گیرد از امام رضا حاجت خود را طلب کند.



فیلم قبلی‌ام **سفر مرگ** راجع به اضطراب پنهانی است که مردم عادی با آن روبه‌رو هستند و هیچ وقت هزینه آن مورد ارزیابی قرار نگرفته، چون قابل اندازه‌گیری نیست، راجع به امنیت روانی مردم است در شرایط فعلی جامعه. قصه فیلم ماجرای مرد میان‌سالی است با دامادش که به خاطر حادثه‌ای ناچارند نیمه‌شب ماشینی اجاره کنند تا به روستایشان بروند. در بین راه، هم راننده از یک سو و هم این دو نفر در هراس‌اند که دیگری نیت سوئی نسبت به آن‌ها داشته باشد. فیلم در یک شب اتفاق می‌افتد، در کمتر از یک ساعت، و نگرانی‌ها و هراس‌های آن‌ها را انعکاس می‌دهد و تصورات آن‌ها را به تصویر می‌کشد و به این نکته توجه می‌دهد که واقعاً امنیت روانی خیلی مسئله پراهمیتی است که کمتر به آن توجه شده.

فیلم آقای مدیر نمی‌تواند در قالب خاص سینمای کودک و نوجوان طبقه‌بندی شود و شاید بشود گفت درباره کودکان است. فیلمی است که بدون حضور کودکان امکان ساخت آن نیست، چون کودکان در آن حضور دارند و در ارتباط با کودکان است، ولی موضوع آن مخاطب بزرگ‌سال را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر چند بچه‌ها هم می‌توانند برداشتهایی از آن بکنند، ولی به طور خاص نمی‌توان آن را در سینمای کودک و نوجوان جای داد.

این فیلم می‌توانست در یک محیط غیرروستایی هم اتفاق بیفتد، چون یک فیلم ماورایی نیست. فیلمی است که این توجه را می‌دهد که ما برای داشتن معجزه نباید چشم به دور دست‌ها بدوزیم. اگر واقعاً به درون خودمان نگاه کنیم، معجزه می‌تواند در درون آدم اتفاق بیفتد نه بیرون از او. البته محیط روستا به دلیل بسته بودن و دورافتاده بودن خیلی کمک می‌کند. به دلیل این که خیلی از سنت‌هایی که ما در گذشته داشتیم، الان دیگر در شهرهای ما



امیدوارم اسم شهید بهنام محمدی وارد کتاب درسی بچه‌ها شود



خلاصه داستان: سید صالح بعد از گذشت سال‌ها از پایان جنگ به خرمشهر باز می‌گردد و خاطرات مبارزه جسورانه شهید بهنام محمدی نوجوان ۱۳ ساله را به یاد می‌آورد.

کارگردان: صادق صادق دقایقی
تهیه‌کننده: پروانه مرزبان
فیلمنامه‌نویس: عبدالجبار دلدار
فیلم‌برداران: هاشم عطار، جلال زارع
بازیگران: شبنم قلی‌خانی، پرهام دلدار، پویا امینی

نزهت بادی

و نوجوانی داشته‌ایم و تا حدودی می‌دانیم که بچه‌ها در این دوران از چه چیزهایی خوششان می‌آید، اما بچه‌های امروز با دیروز خیلی فرق دارند. آن‌ها در دنیای پیشرفته و مدرنی زندگی می‌کنند که دیگر نمی‌توانند با فیلم‌هایی با شکل و ساختار گذشته ارتباط برقرار کنند و باید فیلم‌ها برایشان طوری ساخته شود که با فضای ذهنی امروز آن‌ها تناسب و هماهنگی داشته باشد.

به نظرم فقط بنیاد فارابی و ارشاد نباید از فیلم‌های کودک و نوجوان حمایت کنند. خیلی از نهادها و سازمان‌های دیگر هستند که بودجه فرهنگی دارند و آن را در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بازخورد خیلی کوتاه و زودگذری دارد، در حالی که می‌توانند آن را در عرصه سینما خرج کنند و نتایج بهتری هم بگیرند. بنابراین می‌توان این سازمان‌ها را مدیریت کرد تا نقش فعال‌تری در این زمینه بر عهده بگیرند و حتی با کمک آن‌ها فیلم‌هایی را تولید کرد که حتی در خارج از ایران هم قابل طرح باشد.

فقط با حمایت مسئولان فرهنگی می‌توان جشنواره بهتری برگزار کرد. مسئولان باید واقعاً دغدغه بچه‌ها را داشته باشند و بخواهند که برای آن‌ها کاری انجام دهند. بنابراین باید کارگروه‌ها و اتاق‌های فکری تشکیل شود که سینمای کودک و نوجوان را آسیب‌شناسی کنند و سیاست‌هایی را تعیین کنند و برنامه‌ریزی منسجمی داشته باشند که این جریان به صورت ادامه‌دار رخ بدهد و فقط محدود به چندروز جشنواره نشود.

یکی از چیزهایی که بچه‌های امروزی در مواجهه با فیلم‌ها دوست دارند، این است که با قهرمان فیلم هم‌ذات‌پنداری کنند. من سعی کردم طوری قصه زندگی شهید بهنام محمدی را تعریف کنم که بچه‌ها بتوانند خودشان را به جای او بگذارند. یعنی یک بچه‌ای را نشان دادم که در ابتدا مثل بقیه بچه‌هاست، اما کم‌کم در شرایطی قرار می‌گیرد که به یک قهرمان تبدیل می‌شود و شخصیتش شکل می‌گیرد.

در فیلم‌های دفاع مقدس غالباً زیاد شعار داده می‌شود. یکی از نکاتی که برایم موقع ساختن این فیلم خیلی مهم بود، پرهیز از شعارزدگی رایج بود. در فیلم‌های هالیوودی می‌بینیم که چقدر غیر مستقیم و نامحسوس درباره مفاهیم مورد نظرشان تبلیغ می‌کنند و یکی از شیوه‌هایی که به کار می‌برند، این است که با نگاه نقادانه‌ای به سراغ موضوع ارزشی مورد نظرشان می‌روند و حتی گاهی آن را زیر سؤال می‌برند، ولی در نهایت داستان را به گونه‌ای پیش می‌برند و به سرانجام می‌رسانند که همان موضوع رد شده را به اثبات می‌رسانند و برایش تبلیغ می‌کنند. ولی در سینمای ما خیلی آشکار شعار داده می‌شود و مخاطب امروز را خسته و دل‌زده می‌کند. بنابراین من سعی کردم مظلومیت‌مان در جنگ را خیلی غیرمستقیم با مخاطب در میان بگذارم.

این فیلم هم برای مخاطب کودک و نوجوان است و هم درباره آن‌ها. به نظرم کسی که می‌خواهد برای کودکان و نوجوانان فیلم بسازد، باید روان‌شناسی بچه‌ها را بلد باشد. درست است که همه ما دوران کودکی

فیلم داستان زندگی شهید بهنام محمدی و فداکاری‌هایی را که در زمان اشغال خرمشهر انجام داده است، روایت می‌کند.

سال ۸۸ خانم مرزبان که تهیه‌کننده و مشاور فیلم هستند، طرحی را تحت عنوان **فهمیده‌های دفاع مقدس** که درباره دانش‌آموزان و نوجوانان شهید بود، به شبکه دو تلویزیون ارائه دادند و طرح پذیرفته شد و به صورت مجموعه ساخته شد. در همان زمان ما مستندی درباره شهید بهنام محمدی کار کرده بودیم که خیلی مورد توجه قرار گرفت و استاندار خوزستان از ما خواستند تا نسخه سینمایی آن را کار کنیم. البته استاندار به قول‌هایی که داده بودند، عمل نکردند و خانم مرزبان مجبور شدند خودشان بخش اصلی بار مالی فیلم را بر عهده بگیرند و در نهایت فیلم **بزرگ مرد کوچک** ساخته شد.

شهید بهنام محمدی خیلی مظلوم است. من درباره او کتاب‌های مختلفی خواندم و تحقیقات زیادی کردم. چون به هر حال من بچه جنگ نیستم و باید به شناخت کافی درباره آن دست پیدا می‌کردم و در فضای مناسب قرار می‌گرفتم. برایم خیلی مهم بود که فیلمی بسازم که بچه‌ها نسبت به شهید بهنام محمدی شناخت پیدا کنند. امیدوارم بعد از دیدن این فیلم اسم شهید بهنام محمدی نیز همچون شهید فهمیده وارد کتاب‌های درسی بچه‌ها شود.



آراز بارسقیان

ZAGREB

انیمیشن در زاگرب

۳۰ ثانیه‌ای بسازند. بعد یک کمپانی جدید ایجاد کردند و برای شرکت‌های تجاری خارجی سفارش انیمیشن‌های تبلیغاتی گرفتند. این گروه از فیلم‌سازان نقش مهمی در شکل‌گیری مکتب زاگرب داشتند. آن‌ها مدام به دنبال تکنیک‌های تازه کار می‌گشتند تا بتوانند خلایق خودشان را در آن بگنجانند. بالاخره در سال ۱۹۵۶ در بخش انیمیشن کمپانی زاگرب فیلم افتتاح شد و تمام انیماتورهای کشور را به سمت خودش کشید. آن‌ها در سال ۱۹۶۲ با انیمیشن مشهور **جایگزین** که توسط دوسان و کتیچ ساخته شد، توانستند جایزه اسکار بهترین انیمیشن کوتاه سال را برنده شوند و تبدیل به اولین انیمیشن کوتاه غیر آمریکایی در جهان شدند که این جایزه را تا آن زمان برده بود. بعد هم دو فیلم دیگر از این کمپانی نامزد دریافت این جایزه شد. آن‌ها در طول ۳۰ سال فعالیت مستقل فیلم‌های زیادی تولید کردند و جوایز معتبر فراوانی را هم برنده شدند. یکی از خصوصیات مکتب زاگرب در این است که هر مؤلفی با سبک ویژه خودش کار می‌کند و آزادی‌های عمل خودش در کار را دارد. تعریفی که در دایره‌المعارف کرواسی در مقابل زاگرب فیلم آمده چنین است: استودیوی انیمیشن مکتب زاگرب نه به معنای یک مکتب‌خانه است (یعنی جایی که در آن انیمیشن‌سازی تدریس شود) و نه به معنای این است که آن‌ها با محتوای کار خودشان به صورت خط‌کشی‌های مرسوم آکادمیک برخورد می‌کنند. این واقعیت است که هنرمند موجود در این مکتب همیشه متفاوت است و کاملاً به روح و شخصیت فردی مؤلفانش برمی‌گردد.

اما جالب است که بدانید یکی از مشهورترین و موفق‌ترین سریال‌هایی که در این مکتب و استودیو ساخته شده همان **پروفیسور بالتازار** است که در ایران هم بسیار مورد توجه قرار گرفت و جزو شخصیت‌های معروف و دوست‌داشتنی بود.

آن‌ها بعد از سال ۱۹۹۱، یعنی وقتی کشور کرواسی به استقلال رسید، خودشان را در توفان تغییرات اساسی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیدند. آن‌ها متوجه شدند که با استفاده از قالب انیمیشن می‌توانند در ساختار و شکل‌دهی به اجتماعی که به تازگی در حال شکل‌گرفتن بود، تأثیر بگذارند و به کمک دولت و مردمشان بروند.

آن‌ها در راستای جهانی کردن خودشان از سال ۱۹۷۲ تصمیم داشتند یک جشنواره جهانی انیمیشن راه بیندازند که بالاخره در سال ۱۹۹۱ موفق به سازمان‌دهی منظم شدند. هر چند در طول سال‌های مختلف کمپانی‌های دیگری مسئولیت برگزاری این جشنواره را عهده‌دار بودند، اما استودیوی فیلم زاگرب همیشه از ارکان اصلی جشنواره‌شان بوده. آن‌ها در سال ۲۰۰۵ تغییراتی در روند کاری‌شان دادند، طوری که جشنواره تبدیل به یک دوسالانه شد؛ سال‌های فرد برای فیلم‌های بلند و سال‌های زوج برای فیلم‌های کوتاه.

و اما نام انیمیشن‌های کوتاهی که قرار است در این جشنواره ببینیم از این قرار است:

گرپه به کارگردانی گوران استونجیک، **طعمه** به کارگردانی دینکو کومانوویتس، **درباره بوگرا و مامان** به کارگردانی دارکو ووسنیک، **پرچین** به کارگردانی زوران موژیچس، **در بند** به کارگردانی دانیل شولجیتس، **کوچک مرد دریمسی** به کارگردانی ایوانا گولجاشویتس، **خودمان** به کارگردانی مدحت آجانوویتس آجان، **سند**، **اندیشه سیاسی**، **برادری** به کارگردانی ندجکو دراژیچس، **پاروها** به کارگردانی زندکو یاشیک.



بله آن‌ها پروفیسور بالتازار را ساختند!



امسال در جشنواره فیلم کودک قرار است ۱۲ انیمیشن کوتاه پخش شود؛ ۱۲ انیمیشنی که همگی محصول سال‌های اخیر سینمای کرواسی هستند و به نظر می‌رسد از دست دادن تماشاگران برای خیلی‌ها سخت باشد. و البته بد نیست به بهانه تماشای این انیمیشن‌ها نگاهی داشته باشیم به ریشه‌های انیمیشن این کشور که برمی‌گردد به سال‌های دهه ۵۰ میلادی.



عطیه سالارمنش

بین‌الملل

معرفی فیلم‌های اسلامی

بخش فیلم‌های اسلامی بیست‌وششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان قرار است با رویکرد دینی با حضور ۹ فیلم از مصر، عراق، لبنان، بوسنی و هرزگوین، اندونزی و اردن برگزار شود. با توجه به این که این بخش برای اولین بار در جشنواره بیست‌وششم گنجانده شده، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه نگاهی کوتاه به فیلم‌های این بخش می‌اندازیم.

حضرت خدیجه بنت خویلد محصول ۲۰۰۰ کشور مصر است. زینب زمزم کارگردانی و تلویزیون مصر تهیه‌کنندگی آن را به عهده داشته‌اند. مدت این فیلم ۱۸ دقیقه است و داستان آن درباره حضرت خدیجه بنت خویلد همسر حضرت محمد(ص) است. او نمونه همسری است که حتی پیش از اسلام نمونه یک زن اندیشمند به شمار می‌رود و زمانی که حضرت محمد (ص) شروع به ترویج دین اسلام کرد، او همه سختی‌ها و مشقات را در کنار همسر خود (حضرت محمد (ص)) تحمل کرد.

واگن کوچک محصول ۱۹۹۶ کشور گرجستان است. کارگردان این فیلم ۱۸ دقیقه‌ای ژرژ اوواشویلی است و داستان آن درباره خط آهن، ریل‌های موازی، طبیعت، مسیر طولانی برای کار روزانه پدر و پسر بچه‌ای است که در این میان به دنبال بازی و نشاط کودکان خود می‌گردند.

زینب بنت جحش محصول ۲۰۰۴ و ساخت کشور مصر است. کارگردان این فیلم زینب زمزم و تهیه‌کننده آن تلویزیون مصر است. داستان این فیلم درباره حضرت زینب بنت جحش همسر حضرت محمد (ص) است و قواعد قبول کردن فرزند در اسلام را بیان می‌کند. همچنین نکات مثبتی را که در مسئله درک مفهوم پذیرش فرزند در اسلام وجود دارد، به بحث می‌کشد.

دشمنی‌های قبیله قریش علیه اسلام است. مدت این فیلم ۱۸ دقیقه است.

یکی دیگه پیدا کن! محصول ۲۰۰۸ کشور بوسنی و هرزگوین است. فیلم به کارگردانی امیر برکوواک و نوشته بوکوواک و امیر حاجی کادونیک است. مدت این فیلم ۹ دقیقه است و آکو سشان، دمیر سادی کوویک، طیب ملاعثمانوویک بازیگران آن هستند. داستان فیلم درباره پسر بچه‌ای به نام کریم است که برای درآمد مختصری، کارهای مختلفی از جمله خرد کردن چوب، جمع‌آوری پوکه فاسنگ، خرید و فروش میوه... انجام می‌دهد. او همیشه در حال نذر و دعا برای پیدا شدن پدر مفقودالثرش است.

عقاب در قلب من محصول ۲۰۰۹ کشور اندونزی است. ایفا ایسغانیسا کارگردانی و شانتی هارماین تهیه‌کنندگی این فیلم را به عهده داشته‌اند. بازیگران این فیلم ۹۶ دقیقه‌ای امیر مهیرا، آلدو تنسانی، مارشا آروان، ایگراگانا هستند. داستان فیلم درباره پسر ۱۲ ساله‌ای به نام بایو است که آرزو دارد فوتبالیست بزرگ و مشهوری شود. او هر روز، با توپ از کوچه‌های باریک محله می‌گذرد و در زمین بدمینتون، تمرین فوتبال می‌کند.

المجادلات محصول ۲۰۰۵ کشور مصر است. این فیلم به کارگردانی زینب زمزم و تهیه‌کنندگی تلویزیون مصر درباره زنی مسلمان است که از شوهر خود شکایت دارد. داستان این زن در سوره مجادله قرآن کریم آمده است. فیلمنامه‌نویس این فیلم ۱۵ دقیقه‌ای عبدالرحیم کمال سلیم است.

دوچرخه محصول ۲۰۱۲ کشور عراق است. این فیلم به کارگردانی و تهیه‌کنندگی رزگار حسین احمد درباره کودکی است که همه آرزویش داشتن دوچرخه‌ای است که نمی‌تواند آن را داشته باشد. مدت فیلم ۱۷ دقیقه است و دلزان بهجت و راگر نصرت در آن بازی می‌کنند.

بچه‌های سنگ محصول ۲۰۰۴ لبنان است. این فیلم به کارگردانی محمد عبدالله ابراهیم و تهیه‌کنندگی شرکت الخیر درباره ظلمی است که در حق کودکان فلسطین می‌شود. مدت این فیلم ۴۵ دقیقه است.

فاطمه زهرا (س) محصول ۲۰۰۰ و ساخت مصر است. این فیلم به کارگردانی زینب زمزم و تهیه‌کنندگی تلویزیون مصر درباره نقش حیاتی حضرت زهرا (س) در مواجهه با



معرفی فیلم‌های بخش سینمای آسیا

در بخش غیررقابتی سینمای آسیای بیست‌وششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان ۱۱ فیلم خارجی و دو فیلم ایرانی حضور دارند که از میان آن‌ها دو فیلم در بخش فیلم‌های بلند زنده نیز حضور دارند. در ادامه نگاهی کوتاه به فیلم‌های این بخش می‌اندازیم.

درباره پسری است که در منطقه‌ای جنگ‌زده زندگی می‌کند و در حسرت زندگی آسوده در دوران امن به سر می‌برد.

تولد مبارک محصول ۲۰۱۰ و ساخت کره جنوبی است. کارگردان فیلم لی سنونگ - مین و مدت آن چهار دقیقه و ۴۹ ثانیه است. فیلم درباره دختری است که تنها در خانه مانده است و به قصد یافتن دوستی حقیقی، جشن تولدی برپا می‌کند.

روزهای سبزه محصول ۲۰۱۱ و ساخت کره جنوبی است. فیلم به کارگردانی آنجائه-هون و هان هیه-جین است. داستان فیلم درباره «یی-رانگ» است که آرزوی ورزشکار شدن دارد. مدت زمان فیلم ۹۸ دقیقه است.

شعله در باد محصول ۱۳۹۰ و ساخت ایران است. کارگردان فیلم فرهاد مهرانفر است. این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای درباره سرنوشت، شادی‌ها و غم‌های دختران دانش‌آموز روستاهای گیلان در شمال و جزیره قشم در جنوب است.

خروسک محصول ۱۳۹۰ و ساخت ایران است. فیلم به کارگردانی فریدون نجفی است و حوزه هنری چهارمحال بختیاری تهیه‌کنندگی آن را به عهده داشته است. زمان فیلم ۱۵ دقیقه و درباره پسر بچه‌ای است که مادر بزرگش را از دست داده و می‌خواهد طبق رسم و اعتقادات روستایشان خروسکی را به صدا در آورد تا او به بهشت برود.

هدیایی است که مردم کره جنوبی به مناسبت کریسمس برای مردم کره شمالی فرستاده‌اند.

بوئا محصول ۲۰۱۱ و ساخت جمهوری آذربایجان است. کارگردان فیلم ایلفار نجف و مدت فیلم ۹۸ دقیقه است. فیلم روایتی از عشق و پندار هاست. «بوئا» پسری است که چون آموزگار خردمند و فرزانه‌ای دارد، از دیگر پسرها خوشبخت‌تر است. اما رویای بوئا متفاوت است. او می‌خواهد بر قله کوه، انگاره‌ای عظیم از سنگ بسازد که از همه جا بتوان آن را دید. این فیلم نماینده کشور آذربایجان برای رقابت در بخش اسکار بهترین فیلم خارجی زبان است.

افسانه باباگایا محصول ۲۰۱۰ و ساخت کره جنوبی است. کارگردان فیلم لی می - هیون و مدت آن پنج دقیقه و ۴۰ ثانیه است. داستان فیلم درباره «باباگایا» است که پس از زندگی در تنهایی، به دلیل ظاهر زشتش، دهکده‌اش را ترک می‌کند، اما میل به داشتن دوست هم‌چنان در او باقی است.

ناپیدا محصول ۲۰۱۰ و ساخت اردن و بریتانیا است. فیلم به کارگردانی طارق ریماوی و مدت آن سه دقیقه است. فیلم

چشم به راه محصول ۲۰۱۰ و ساخت کشور سنگاپور و به کارگردانی جو زی وی است. مدت این فیلم ۲۰ دقیقه و داستان آن درباره مردی از حاشیه‌نشینان جامعه است که نامیدانه بر آن است تا الفت شکننده با پسرش را حفظ کند، در حالی که هر دو سوگوار عضوی از خانواده‌اند که دیده از جهان بسته است.

سلام بر زرد محصول ۲۰۱۱ و ساخت اندونزی است. کارگردان این فیلم ۲۰ دقیقه‌ای ب و پوریا نگارا است. **سلام بر زرد** داستان شیء کوچک زرد رنگی است که پسری را در دام توهم و خودنمایی گرفتار می‌کند. این شیء که باید باعث نزدیکی شود، باعث دوری بیشتر شده است.

زیباترین محصول ۲۰۱۰ و ساخت کره جنوبی است. کارگردان این فیلم هوانگ سانگ - جون است. مدت فیلم ۱۲ دقیقه و ۴۱ ثانیه است و داستان آن درباره دانش‌آموزی است که تنهایی را به وقت‌گذرانی با دوستانش ترجیح می‌دهد.

کریسمس مبارک محصول ۲۰۱۱ و ساخت کره جنوبی است. فیلم به کارگردانی سنونگ - هون کیم و سونگ - سان جونگ و مدت آن ۹۵ دقیقه است. داستان فیلم درباره بالن



مروری بر بیست‌وپنج دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان (دوره یازدهم تا پانزدهم)

پیمان شوقی

جایابی چند باره محل برگزاری جشنواره



- جایزه ویژه هیئت داوران: کودک و سرباز
(سیدرضامیر کریمی)

در حاشیه: جشنواره فیلم کودک و نوجوان با مصوبه شورای شهر به اصفهان بازگشت و عبارت «شهرداری اصفهان برگزار می‌کند» تا هفت سال روی پوسترهای جشنواره درج شد. کاستن از طول و عرض بی‌دلیل جشنواره در این دوره جزو نقاط قوت آن است؛ و سه فیلم شاخص این دوره از موفق‌ترین آثار سینمای ایران از نظر جلب توجه جهانی، رکورد شرکت در جشنواره‌های معتبر و پخش تجاری در دنیا محسوب می‌شوند.

دوره پانزدهم - اصفهان ۲۳ تا ۲۹ مهر
ماه ۱۳۷۹

بخش‌های جشنواره: «مسابقه‌ها»، «بزرگداشت‌ها» (ابوالفضل جلیلی، مجید مجیدی، زینب زمزم (مصر)، محمدرضا علیقلی)، «موسیقی، خیال افسانه»، «صد فیلم‌ساز، صد فیلم»، «چشم‌انداز سینمای دانمارک»، «با کودکان پنج قاره»، «برگزیده‌های بیست سال سینمای کودک در ایران»، «دیروز و امروز»، «مجموعه فیلم‌های نقاشی‌متحرک/عروسکی شوروی ۸۸-۱۹۸۰»، «مجموعه فیلم‌های نقاشی‌متحرک/عروسکی مجارستان ۹۰-۱۹۷۷»، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و صدسالگی سینمای ایران»، «نقاشی‌متحرک‌های ویدیویی ایتالیا»، «آثار دانشجویان ایتالیا»، «صبا: کانون پویانمایی»

تعداد فیلم‌های جدید ایرانی: ۲۹ فیلم (شامل ۸ فیلم بلند و ۲۱ فیلم نیمه بلند و کوتاه)

فیلم‌شاخص: زمانی برای مستی اسب‌ها

مسابقه بین‌المللی (جوایز اصلی):

- فیلم: دو چرخه زردقناری (دیمیتریس استاوراکاس - یونان)

- جایزه ویژه هیئت داوران: زمانی برای مستی اسب‌ها (بهمن قبادی - ایران)

مسابقه سینمای ایران (جوایز اصلی):

- فیلم بلند: زمانی برای مستی اسب‌ها (بهمن قبادی)

- جایزه ویژه هیئت داوران: مادر (لیلا میرهادی)

در حاشیه: صدمین سال سینمای ایران، این دوره جشنواره را به گنجاندن حدود ۲۰۰ فیلم آرشیوی ایرانی و خارجی برای بزرگداشت این مناسبت واداشت. اما نارضایتی داوران کودک و نوجوان از دوری فضای عمومی فیلم‌های ایرانی جشنواره از دنیای مخاطبان این رده سنی - که در بیانیه نهایی هم آمد - زنگ خطری بود که ظاهراً کسی جدی‌اش نگرفت و نتایجش به شکل توقف کامل اکران عمومی فیلم‌های این ژانر به تدریج بروز می‌کرد.

مسابقه سینمای ایران (جوایز اصلی):

- بهترین فیلم بلند: کیسه برنج (محمدعلی طالبی)

- جایزه ویژه هیئت داوران: پدر (مجید مجیدی)

در حاشیه: فقدان زیرساخت‌های لازم برای برگزاری یک رویداد جهانی در شهر کرمان نه تنها به حذف بسیاری الزامات اجرایی و کاهش فیلم انجامید، بلکه اساساً لطمه به هویت جشنواره بود. حضور یکی از پرافتخارترین فیلم‌های تاریخ سینمای کودک و نوجوان کشور تحت‌الشعاع این تغییرات قرار گرفت و استمرار مشکلات اجرایی در کنار مسائل پشت پرده عملاً موجب شدند این مهم‌ترین رویداد سینمای کودک و نوجوان قاره آسیا در سال بعد (۱۳۷۶) برگزار نشود.

دوره سیزدهم - تهران ۱۲ تا ۱۶ بهمن ۱۳۷۷

بخش‌های جشنواره: «مسابقه‌ها»، «بیست سال سینمای کودک و نوجوان ایران»، «از ادبیات تا سینمای کودک»، «مرور آثار» (محمدرضا علیقلی، کامبیز صمیمی مفتح)

تعداد فیلم‌های جدید ایرانی: ۵۶ فیلم (شامل ۱۱ فیلم بلند و ۴۵ فیلم نیمه بلند و کوتاه داستانی و مستند)

فیلم‌های شاخص: پسر مریم، تولد یک پروانه

مسابقه بین‌المللی (جوایز اصلی):

- فیلم: موشک کاغذی (فرهاد مهران‌فر - ایران)

در حاشیه: برای جلوگیری از حذف جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان و برپاد رفتن دستاوردهای حاصله، کلیت کار مجدداً به حاشیه جشنواره بین‌المللی فیلم فجر کوچید تا صرفاً تقویم سینمایی سال از این رویداد خالی نماند.

دوره چهاردهم - اصفهان ۲۴ تا ۳۰ مهر
ماه ۱۳۷۸

بخش‌های جشنواره: «مسابقه‌ها»، «جشنواره جشنواره‌ها: برگزیده‌های سیف‌ژ»، «نمایش‌های ویژه» (بزرگداشت‌ها: عبدالله علیمراد، بهمن قبادی، گزیده نقاشی‌متحرک‌های لهستان دهه نود، گزیده نقاشی‌متحرک‌های هلند دهه نود، روی پرده سینمای کودک و نوجوان)

تعداد فیلم‌های جدید ایرانی: ۲۳ فیلم (شامل ۶ فیلم بلند و ۱۷ فیلم نیمه بلند و کوتاه)

فیلم‌های شاخص: آینه، رنگ خدا، سیب

مسابقه بین‌المللی (جوایز اصلی):

- فیلم: آقای رایس اسرار آمیز (نیکولاس کنالد - کانادا)

- جایزه ویژه هیئت داوران: خاطرات کاهگلی (زر گنگ - چین)

مسابقه سینمای ایران (جوایز اصلی):

- فیلم بلند: رنگ خدا (مجید مجیدی)

در این مقطع، جشنواره با بحران‌هایی مثل تغییر چندباره محل برگزاری، عدم برگزاری یک دوره و افت نسبی کیفیت آثار مواجه بود که می‌توانستند اعتبارش را خدشه‌دار کنند. اما ققنوس بار دیگر از خاکستر تغییرات برخاست و جشنواره در سال‌های پایانی دهه ۷۰، اعتبار و کیفیت سال‌های آغازین دهه را تجدید کرد.

دوره یازدهم - اصفهان ۸ تا ۱۴ مهر ۱۳۷۴

بخش‌ها: «مسابقه‌ها»، «برگزیده‌های جشنواره انسی ۱۹۹۵»، «بزرگداشت‌ها» (برژی ترنکا، ساتیاجیت رای، جان‌هالاس، ابراهیم فروزش، باستر کیتون، بهترین‌های یک عمر (فیلم‌سازان ایرانی)، کم‌دین‌های بزرگ)، «سینمای کودک و نوجوان فلسطین»، «فیلم‌های دانشجویی: بلژیک و ایران»، «تام و جری: دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰»

تعداد فیلم‌های جدید ایرانی: ۳۳ فیلم (شامل ۱۳ فیلم بلند و ۲۰ فیلم نیمه بلند و کوتاه)

مسابقه بین‌المللی (جوایز اصلی):

- فیلم: افسانه سه جواهر (میشل خلیفی - فلسطین/بلژیک/انگلستان)

- جایزه ویژه هیئت داوران: شاخ گاو (کیانوش عیاری - ایران)

مسابقه سینمای ایران (جوایز اصلی):

- بهترین فیلم بلند: شاخ گاو (کیانوش عیاری)

در حاشیه: افزودن بخش فیلم‌های دانشجویی و برپایی جلسات شبانه هم‌اندیشی سینماگران و منتقدان برای آسیب‌شناسی سینمای کودک و نوجوان کشور - که گاه تا اذان صبح هم ادامه می‌یافت - از نقاط قوت این دوره بودند. ولی سریال تغییر تاریخ برگزاری کماکان ادامه دارد و عمده فیلم‌ها، آثار آرشیوی هستند که بعضی‌شان از فرط تکرار نخنما شده‌اند.

دوره دوازدهم - کرمان ۱۴ تا ۲۰ مهر ۱۳۷۵

بخش‌های جشنواره: «مسابقه‌ها»، «کودک و نوجوان سرزمین‌های جاده ابریشم»، «چشم‌انداز سال‌های درخشان سینمای کودکان و نوجوانان چک ۸۸-۱۹۵۸»، «چشم‌انداز نقاشی‌متحرک‌های سینمای ایران بعد از انقلاب اسلامی»، «کودکان و نوجوانان و دفاع مقدس»، «مرور آثار» (هوشنگ مرادی کرمانی، مجید مجیدی، کامبوزیا پرتوی)

تعداد فیلم‌های جدید ایرانی: ۳۸ فیلم (شامل ۱۶ فیلم بلند و ۲۲ فیلم نیمه بلند و کوتاه)

فیلم‌های شاخص: بچه‌های آسمان، خواهران غریب

مسابقه بین‌المللی (جوایز اصلی):

- فیلم: بنجامین (گیزلی سینر ارلینگسون - ایسلند)

- جایزه ویژه هیئت داوران: کیسه برنج (محمدعلی طالبی - ایران)



صوفیا نصرالهی

جشنواره‌ها محل مبادلات فرهنگی هستند

شییه فی، کارگردان، بازیگر و فیلمنامه‌نویس مشهور سینمای چین امسال یکی از مهمانان جشنواره کودک اصفهان است. این فیلم‌ساز مشهور، از آکادمی فیلم بیجینگ فارغ‌التحصیل شده و هم‌اکنون خودش به عنوان استاد و نایب رئیس انستیتو در آن‌جا تدریس می‌کند و برخی از مشهورترین فیلم‌سازان چینی مانند ژانگ ییمو، کارگردان اسکاری که سینمای چین را به جهان شناسانده‌اند، زیر دست او پرورش یافته‌اند. سال ۱۹۹۰ برنده خرس نقره‌ای جشنواره برلین برای بهترین دستاورد هنری شد و سه سال بعد توانست خرس طلای همان جشنواره را برای فیلم **زنانی از دریاچه روح‌های خوش‌بو** به دست آورد. با شییه فی درباره جشنواره فیلم کودک اصفهان که امسال به عنوان داور بخش بین‌الملل در آن حضور دارد، گفت‌وگو کردیم.

را جواب دادید. به نظر تان برگزاری جشنواره‌هایی مانند فیلم کودک اصفهان تا چه حد می‌تواند روی سینمای کودک در سرتاسر جهان تأثیر بگذارد؟

فکر می‌کنم تأثیر خیلی زیادی دارد. شما در همین جشنواره‌هاست که می‌توانید فیلم‌های کشورهای دیگر را ببینید و از بین آن‌ها انتخاب کنید تا در کشور خودتان برخی از آن‌ها را نمایش دهید. خیلی از کشورها و فیلم‌سازان در این جشنواره‌ها با یکدیگر آشنا می‌شوند و همین می‌تواند روی روند پیشرفت سینمای کودک تأثیر بگذارد. تنها مشکل این جاست که من در میان تماشاگران، مخاطب کودک زیاد نمی‌بینم. در حالی که این جشنواره بیشتر متعلق به آن‌هاست. همین حضور فیلم‌سازانی که متعلق به فرهنگ‌های مختلف هستند در کنار هم می‌تواند مهم‌ترین تأثیر این جشنواره باشد. ما در چین موقع جشنواره‌های کودک بیشتر فیلم‌سازان چینی را دعوت می‌کنیم تا آثار کشورهای مختلف را ببینند، اما ملاقات همه این آدم‌ها از کشورهای مختلف و دیدن فیلم‌هایشان کنار خودشان و بحث درباره آن‌ها فرصت مناسب‌تری است.

شما برنده جایزه خرس طلای برلین در سال ۲۰۰۳ شدید. آیا فیلمتان مرتبط با سینمای کودک بود؟

راستش نه. من فیلم‌ساز کم‌کاری هستم. در طول این سال‌ها فقط ۹ فیلم ساخته‌ام که فقط یکی از آن‌ها مرتبط با سینمای کودک بود. آن فیلمی که برنده خرس طلا شد، بیشتر درباره زنان و ازدواج و زندگی روزمره بود.

اصلاً به فیلم ساختن درباره بچه‌ها و کار کردن با آن‌ها علاقه‌مند هستید؟

بله، ولی راستش کار کردن با بچه‌ها کار خیلی دشواری است. مهم‌ترین مسئله در سینمای کودک این است که شما بازیگر نقش اول کودک‌تان را درست انتخاب کنید. در آن صورت همه چیز خوب پیش می‌رود. بعد تازه نوبت به فیلمنامه می‌رسد. اما اگر فیلمنامه خوبی داشته باشید و بچه‌هایی را که برای بازی در نقش‌ها انتخاب می‌کنید، مناسب نباشند، آن وقت است که همه چیز نابود می‌شود و دیگر امکان ندارد فیلم خوبی از کار دربیاید.

بچه‌های هر کشوری با فرهنگ و آداب و رسوم خودشان بزرگ می‌شوند. چطور می‌شود فیلم کودکی ساخت که با فرهنگ‌های مختلف بتواند ارتباط برقرار کند یا به عبارتی زبان بین‌المللی مشترکی داشته باشد؟

فکر می‌کنم تقریباً کاری ناشدنی است. شاید فقط سینمای انیمیشن بتواند به این امر کمک کند. آمریکا و هالیوود به خاطر تأثیر اقتصادی که روی دیگر نقاط جهان دارند، گاهی موفق می‌شوند انیمیشن‌ها یا فیلم‌های کودک خودشان را به سرتاسر جهان صادر کنند. ولی من فکر می‌کنم خود ما کشورهای آسیایی که فرهنگمان به هم نزدیک‌تر است، باید سینمای کودک خودمان را داشته باشیم و بسازیم تا به یکدیگر نزدیک شویم.

در همین آسیا ما انیمیشن‌های خیلی خوبی از میازاکی داریم که می‌تواند با همه دنیا ارتباط برقرار کند. در ایران مثلاً بچه‌های زیادی را دیده‌ام که انیمیشن‌های میازاکی را می‌بینند و خیلی هم خوب درکش می‌کنند و می‌توانند با حرفی که کارگردان می‌خواهد بزنند، ارتباط برقرار کنند. این نشان می‌دهد که خود ما در آسیا می‌توانیم این کار را انجام دهیم، هر چند کارمان مشکل‌تر است.

بله، به خصوص ژانر صنعت انیمیشن قوی‌ای دارد و کارهای بسیار خوبی تولید می‌کند. در چین هم ما استودیوی انیمیشن‌سازی داریم، ولی بیشتر انیمیشن‌ها مخصوص کودکان است و نوجوانان این وسط بی‌نصیب می‌مانند. جدا از این‌ها ما در چین محدودیت‌هایی هم به لحاظ ممیزی داریم، ولی فکر می‌کنم این وضعیت در آینده تغییر کند. به خصوص با وجود رسانهای مانند تلویزیون که در چین خیلی تأثیرگذار است. می‌توانیم با استفاده از برنامه‌های تلویزیونی آن تأثیری را که می‌خواهیم، روی کودکان بگذاریم. فکر می‌کنم اهمیت سینمای کودک روزبه‌روز از این هم بیشتر شود. و من فکر می‌کنم اهمیت جشنواره‌هایی مانند فیلم کودک اصفهان همین‌جا مشخص می‌شود. ما می‌توانیم با همه دنیا مبادلات فرهنگی داشته باشیم. و فرهنگ و رسوم و تاریخ خودمان را به آن‌ها نشان دهیم.

سؤال بعدی من تقریباً همین بود که شما بخشی از آن

ممکن است برایمان توضیح دهید که سینمای کودک دقیقاً به چه فیلم‌هایی اطلاق می‌شود؟

سینمای کودک، اهمیت زیادی دارد. در هر کشوری مانند چین یا ایران که از قدمت و سابقه تاریخی طولانی برخوردارند، سینمای کودک وجود دارد. در چین که ما اصلاً استودیوی مخصوص ساخت فیلم‌های کودک داریم. سینمای کودک از آن جهت دارای اهمیت است که به هر حال کودکان هر کشور با فرهنگ و آداب خودشان بزرگ می‌شوند و از طریق سینما هم می‌شود به آن‌ها آموزش داد و هم آن‌ها را با فرهنگ دیگر کشورهای جهان آشنا کرد. فیلم کودک باید گرم و صمیمی باشد. از نظر من مهم‌ترین بخش سینمای کودک انیمیشن است. در چین ما شبکه‌های مخصوص انیمیشن برای کودکان داریم. اما مشکل اصلی ما نوجوانان هستند. باید محصولاتی مخصوص نوجوانان هم تولید شود و این کار خیلی دشواری است. نکته‌ای که الان به نظرم باید در صنعت فیلم‌سازی به آن توجه شود، بیشتر فیلم‌هایی مخصوص گروه سنی نوجوانان است.

از فیلم‌های جشنواره امسال چیزی دیده‌اید؟

فیلم‌هایی از کره جنوبی و ژاپن دیده‌ام که بد نبودند. راستش باید بگویم خیلی خوشحالم که به این‌جا آمده‌ام. ما هم در چین جشنواره فیلم کودک برگزار می‌کنیم و این بخش از سینما برایمان اهمیت زیادی دارد.

اولین بار است که به ایران سفر می‌کنید؟

بله، ولی با کشور شما و تاریخ و قدمت و فرهنگ غنی‌اش آشنایی داشتم. شباهت‌های زیادی از نظر سابقه تاریخی بین ایران و چین وجود دارد.

با سینمای ایران هم آشنایی دارید؟

بله، فکر می‌کنم از دهه ۹۰ سینمای ایران همه دنیا را مجذوب و شگفت‌زده کرد. سینمای کودک ایران هم پیشرفت قابل توجهی کرد و فیلم‌های مهمی در آن ساخته شدند مانند **خانه دوست کجاست؟** عباس کیارستمی. این اثر واقعاً یک شاهکار است. من این فیلم را به شاگردانم نشان می‌دهم. چون می‌دانید من معلم هستم. این فیلم برای هر کسی که می‌خواهد فیلم‌ساز شود، یک کلاس درس تمام‌عیار است.

در مورد همین فیلم بخصوص، خانه دوست کجاست؟، که من هم معتقدم در سینمای کودک اثری منحصر به فرد است، آیا مثلاً بچه‌های کشورهای دیگر هم می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند؟ مثلاً کودکان چینی پیام فیلم را دریافت کردند؟

نه، واقعیت این است که برقراری ارتباط بین یک فیلم و کودکان کشورهای مختلف کار بسیار دشواری است. مثلاً بچه‌های چینی خیلی به سینما نمی‌روند. آن‌ها بیشتر پای تماشای برنامه‌های تلویزیونی می‌نشینند. در حقیقت انتخابشان بیشتر تلویزیون است تا سینما.

Xie Fei ANIMATION, THE BEST FORM OF CHILDREN CINEMA

Xie Fei, acclaimed Chinese director and the professor of cinema who is a jury member in the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults believes the most important form of cinema that convey all kinds of messages to children is through animation. Fei, who was professor of acclaimed and world-known directors such as Zhang Yimou and Chen Kaige said that Children Film Festivals is the best place for filmmakers to share their thoughts and knowledge about Children Cinema.

PARVANEHA

3 26th

INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS
FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS

پیامبر رحمت و کودکان



«خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي إِحْدَى صَلَاتِي الْعِشَاءِ وَ هُوَ حَامِلٌ حَسَنًا أَوْ حَسِينًا. فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَوَضَعَهُ، ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ، فَصَلَّى، فَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِهِ سَجْدَةً، أَطَالَهَا. قَالَ: إِنِّي زَفَعْتُ رَأْسِي فَأَذَا الصَّبِيِّ يُحْمَلِي ظَهْرَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ هُوَ سَاجِدٌ. فَرَجَعْتُ فِي سُجُودِي، فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّلَاةَ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي الصَّلَاةَ سَجْدَةً أَطَلَّتْهَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَّثَ أَمْرًا أَوْ أَنَّهُ يُوحِي إِلَيْكَ؟ قَالَ: كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ؛ وَ لَكِنَّ ابْنِي أَرْتَحِلُنِي فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجَلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ.»

روزی رسول خدا (ص) برای یکی از دو نماز مغرب یا عشا بر ما وارد شد، در حالی که حسن یا حسین را بر پشت خود سوار کرده بود. حضرت پیش نماز ایستاد و کودک را کنار خود بر زمین نهاد و تکبیر گفت و به نماز مشغول شد. در حین نماز سجده‌ای را بسیار طول داد. من سر از سجده برداشتم و دیدم که کودک بر پشت رسول خدا (ص) نشسته و حضرت به سجده مشغول است. پس به سجده خود بازگشتم. پس از آن که رسول خدا (ص) نماز را به پایان برد، مردم گفتند: ای رسول خدا، در حین نماز سجده‌ای را بسیار طولانی کردید که گمان بردیم اتفاقی افتاده یا وحی برایتان نازل شده است؟ فرمود: هیچ یک از این‌ها پیش نیامده بود، بلکه فرزندم بر پشت من سوار شده بود او به بازی مشغول گشته بود و من نمی‌خواستم پیش از تأمین نیازش سر از سجده بردارم.

Prophet of Mercy and Children

Once Prophet Mohammed (pbuh) went to mosque for praying, Imam Hossein (Prophet's grandchildren, who was a child at the time) was on his shoulder. Prophet started praying, he was Imam of the prayer and everyone else must have followed his deeds. When Prophet made sujud, he did not raise and lengthened his sujud. One of his fellowships who felt the sujud was so long; raised his head and saw Imam Hossein sitting on Prophets back. The man did not say anything and continued his sujud. When the prayer was finished, he went to the Prophet and said: "O Messenger of Allha, when in the prayer you lengthen the sujud, I though God forbidden, something might have happened or you were in the middle of revelation." Prophet then said: "My child was on my back playing, I did not want to spoil his pleasure."

استقبال کودکان از مهمانان خارجی در فرودگاه اصفهان

صبح روز دوم جشنواره با حضور مهمانان بخش بین‌الملل آغاز شد. این مهمانان که سه‌شنبه و بعد از مراسم افتتاحیه به اصفهان وارد شدند، پس از اسکان در هتل عباسی برنامه‌های اصلی و جنبی خود را آغاز خواهند کرد. نخستین برنامه‌ای که برای این مهمانان تدارک دیده شده، نشست رسانه‌ای است. این نشست در قالب دیدار داوران و مهمانان بخش بین‌الملل با اصحاب رسانه برگزار خواهد شد.

آریا قریشی، رامتین شهبازی، مازیار فکری ارشاد، پیمان شوقی،
ثمین مهاجرانی، صوفیا نصراللهی
ترجمه: حسین عیدی‌زاده، عطیه سالارمنش
عکس: مجید حق‌بین
با تشکر از: محسن شرف‌الدین، مسیح حسین نژاد و آریا جعفری
ویراستار: شیدا محمدطاهر
حروف‌نگار: افسانه ده‌نمکی

مدیر مسئول: سیداحمد میرعلایی
سردبیر: نصرت‌الله تابش
دبیر تحریریه و اجرایی: میثم محمدی
گرافیک: علی سمعی‌مقدم
خبر و گزارش: علی نعیمی
عسل آذربور، زهرا خلجی، حسین ارومیه‌چی‌ها
تحریریه: آراز بارسقیان، زهت بادی، احسان حسینی‌نسب،
چاپ: چاپخانه رضوی